

جهان در دو راهی سوسیالیسم کارگری یا بربریت سرمایه داری!

اول مه: علیه بربریت سرمایه داری، علیه جنگ و فقر و نابرابری

(پیام رحمان حسین زاده رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست به مناسبت اول مه)

اول ماه مه

لنین

زنده باد کمیته کمونیستی کارخانه

منصور حکمت

۸۵۱ مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۲۵ آوریل ۲۰۲۶

کارگران و اول مه ۲۰۲۶

روز جهانی کارگر ۲۰۲۶، در محاصره جنگ و آوار سنگین بحران و رقابت حکومت‌های سرمایه داری برگزار میشود. در آستانه اول مه، کارگران به استقبال مسائل مطرح دنیای مملو از بحران رفته‌اند. اتحادیه‌های جهانی کارگری در اقدامی اصولی و مهم، علیه مسائل اساسی امروز که مستقیم و غیر مستقیم زندگی میلیاردها نفر را تحت تاثیر قرار داده است؛ مانند جنگ دولتهای آمریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامی، پیامدهای جنگ بر زندگی کارگران و مردم محروم منطقه و جهان، در دفاع از مبارزه مستقل مردم ایران علیه ارتجاع اسلامی و مسائل مهم دیگر به روشنی سخن گفته‌اند. همه جا لازمست مانند یک طبقه جهانی این خط مشی را دنبال کنیم و تا طرح راه حل کارگری بحران ارتقا دهیم.

سرمایه داران و حکومت‌هایشان جهان را به نابودی و جنگهای ویرانگر تهدید میکنند. سیاستمداران بورژوا و سران دموکراسی با وقاحت از "جنگ پیشگیرانه اتمی"، از "بازگرداندن یک کشور به عصرحجر" از "نابودی تمام عیار"، از نابودی کشورها از روی نقشه کره زمین سخن میگویند! بورژوازی که همواره با زبان تهدید و سرکوب با کارگران سخن گفته است، امروز با زبان فاشیسم و پاکسازی و مجازات جمعی سخن میگوید. اگر نیروی آلترناتیو

صفحه ۲

فراخوان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در حمایت از امنیت پناهندگان در کردستان عراق

بیانیه مشترک فعالان زن و سازمان‌های حقوق بشر درباره

مرگ غزال مولان

اطلاعیه مشترک به مناسبت اول ماه مه

حقیقتی که مثله شد و به سلاح توجیه کشتار بدل گشت!

در نقد تخرهای حمید تقوایی

علی جوادی

صفحه ۱۳

اسد گلچینی، جنگ و جمهوری اسلامی

جاوید حکیمی

صفحه ۱۵

جنگ چهل روزه؛ ادامه آن در سفرهای خالی

وریا روشنفکر

صفحه ۱۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران و اول مه ۲۰۲۶...

این تروریستهای دولتی و غیر دولتی را افسار نزنند، بورژوازی این ظرفیت را دارد که در متن جنگ و رقابت جهان را به نابودی بکشاند.

در اول مه ۲۰۲۶ کارگران کمونست بسان تاریخ سرمایه‌داری، ضروری است زبان آزادی بشریت از انقیاد سیاسی و اقتصادی بورژوازی شوند. در اول مه، ضروری است ادعانامه سوسیالیستی طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری طرح شود. سیاست کارگری باید مربوط به مسائل و سوالات روز جامعه بشری باشد. ادعانامه کارگری باید خصلت آلترناتیو اجتماعی طبقه‌ای را داشته باشد که در تضادی آشتی ناپذیر با طبقه و حکومت‌های بورژوائی قرار دارد.

کارگران پیشاپیش مردم آزادیخواه جهان علیه جنگ ارتجاعی سرمایه‌داران هستند و فی‌الحال اقدامات اگرچه نه کافی اما مهمی در برخی کشورهای اروپا و آمریکای شمالی علیه جنگ و جنگ طلبان صورت داده‌اند. در اول مه ۲۰۲۶، باید علیه تهدیدهای طبقات حاکم، علیه جنگ‌طلبی و میلیتاریسم از هرسو، علیه عادی ساختن تهدید جنگ اتمی و نابودی کشورها و کشتار جمعی انسانها، علیه اهداف کثیف و ضد انسانی بورژوازی بطور صریح و انقلابی سخن گفت. این نظام براسی گندیده و در یک انحطاط بی‌پایان است. در مناسبت اول مه بر ضرورت تغییر اوضاع موجود و بر مبرمیت آلترناتیو انقلابی طبقه کارگر، انقلاب کارگری سوسیالیستی علیه سرمایه‌داری تاکید کنیم.

سرنوشت جهان و میلیاردها نفوس آن زیر نگین دولتهای مرتجع و فوق راست و فاشیست نیست، کارگران میتوانند ورق را برگردانند اگر بمثابه طبقه‌ای متشکل و راه حلی آزادبخش قد علم کنند. باید اعلام کرد کارگران اجازه نمیدهند بورژواها بار دیگر دنیا را بکام جنگ امپریالیستی و تروریسم همه جانبه و کشتارهای مهیب بکشاند.

در اول مه ۲۰۲۶، علیه کشمکش و رقابت حاد امپریالیستی دولتها و قدرتهای سرمایه‌داری، علیه جنگ جاری در ایران و منطقه، علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی و تبدیل اقتصاد و تولید به خط تدارک ماشین جنگی، به اختناق و تروریسم و عقبگرد فکری و فرهنگی که فاشیستها و بورژواهای متفرقه به جوامع تحمیل کردند، اعتراض کنیم.

اول مه روز جهانی طبقه‌ای است که در چند قرن اخیر همواره سنگر آخر بشریت از تباهی بوده است. ما کارگران یا اداره و کنترل جامعه را بدست میگیریم و جامعه را براساس رفع نیاز و تعالی مستمر شهروندان اداره میکنیم و یا توسط بورژوازی اداره و کنترل و استثمار و سرکوب میشویم. شاید راه‌های میانی به روی جنبشهای دیگر باز باشد، اما برای جنبش ضد کاپیتالیستی، برای جنبش کمونیستی لغو بردگی مزدی،



راه سومی باز نیست. در دوره ای که جهان سرمایه‌داری یک دوره ملت‌هت و متحول را از سر میگذراند، کارگران نیازمند آنند که با پرچم طبقاتی و جهانی خود بمثابه جنبش آزادی بشریت بمیدان بیاوند. داستان مانند همیشه حکومت سرمایه‌داری یا حکومت کارگری است.

در اول مه با صدای بلند اعلام کنیم: نه به جنگ امپریالیستی، نه به جنگهای ارتجاعی، نه به فاشیسم و بردگی مدرن، سوسیالیسم و برابری انسانها یک راه حل واقعی و معقول است. زنده باد انقلاب کارگری!

سردیر.

۲۴ آوریل ۲۰۲۶



منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

مرگ بر جمهوری اسلامی!

کمونیسم، و فقط به کمونیسم، نیاز نداشته است.

اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بمناسبت اول مه

جهان در دو راهی سوسیالیسم کارگری یا بربریت سرمایه‌داری!

دنای امروز فاقد یک چشم‌انداز و دورنمای خوشبینانه برای میلیاردها نفوس کره خاکی است. جهان در وضعیت فوق‌العاده مخاطره‌آمیز و هولناکی بسر میبرد. کل آن ساختارها، اهرمها و ستونهای که سرمایه‌داری بعد از جنگ دوم جهانی بر آن بنا شده بودند، بی‌اعتبار شدند و در حال فروپاشی‌اند. جنگ و رقابت دولتها و صغی از سیاستمداران فاشیست و دست راستی، کره خاکی را به گروگان گرفته است. بمباران و تروریسم، نسل کشی و تهدید به اِحمای جمعی، تحدید آزادیهای سیاسی و نابودی دستاوردهای نسلهای متمادی طبقه کارگر به رکن اساسی سیاست بورژوازی و دمکراسی امروز بدل شده است. وقوع جنگهای دهشتناک‌تر از آنچه تاکنون بشریت اسیر تجربه کرده است، بیش از هر زمانی است. امکان رویارویی آمریکا و روسیه و چین در خاورمیانه، آغاز مجدد جنگ در ایران و منطقه، دورنمای خونین نقشه ضد انسانی "خاورمیانه جدید" مورد ادعای نتانیاهوی فاشیست، گسترش دیگری نظامی در خلیج و دریای سیاه، هر کدام میتواند بعنوان چاشنی جنگ گسترده‌تر قدرتها و دولتهای درگیر عمل کند.

تحولات تکنولوژیک و کاربست هوش مصنوعی، نه به رفاه و امکان عمل واقعی بشریت بلکه به ابزار کنترل و ویرانگری و سلطه سیاسی و اقتصادی لایه‌های جدید و بسیار قلیل بورژوازی میلیاردی بدل شده است. در کنار زبان مشترک جناحهای بورژوازی یعنی تحمیل ریاضت اقتصادی و تعرض به حداقل رفاهیات و حقوق طبقه کارگر و پلیسی کردن جوامع و کنترل روزمره شهروندان، قلاده راست افراطی فاشیست را آزاد کرده‌اند تا بتوانند جوامع و صفوف طبقه بورژوازی را مجموعاً به سمت راست‌تر سوق دهند. امروز سرمایه‌داری کمابیش نه فقط حقوق بدیهی‌ای مانند حق سلامتی، حق آموزش و حق مسکن را برای بسیاری مشروط و حتی ناممکن کرده است، بلکه جهان بحران زده را به خروجی‌های هولناک فاشیسم و جنگهای ویرانگر و اتمی تهدید میکند.

نظم کنونی تهدید نابودی جهان را بالای سر بشریت قرار داده است. بار دیگر و بیش از هر زمان در تاریخ سرمایه‌داری معاصر، ضرورت تغییری رادیکال و مبرمیت عروج جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بعنوان واقعییتی غیرقابل انکار طرح میشود. نظم کنونی از سرمایه‌داری دولتی بلوک شرق سابق و چین و دولتهای رفاه سوسیال دمکراسی تا توحش تمام عیار بازار آزاد و راست جدید و محافظه کار را تجربه کرده است و امروز در متن بن‌بست اقتصادی و رکود و فروپاشی هژمونی، بار دیگر دست بدامن فاشیسم و قلدردی نظامی شده است. وقتی بورژوازی قوانین و مناسبات تا دیروز خود را بی‌اعتبار و در شیپور جنگ میدمد، وقتی دمکراسی غربی و پارلمانتاریسم قابله فاشیسم است، آنوقت جهان نیازمند فوری عروج پرولتاریا و موجی از انقلابهای ضد کاپیتالیستی و سوسیالیستی است. هیچ زمان دنیا مانند امروز به

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و کشورهایی که مشخصه اساسی سرمایه‌داری مبتنی بر تحمیل استبداد و اختناق عریان و استثمار خشن نیروی کار ارزان است، حداقل دستمزد کارگران چند برابر زیر خط فقر رسمی است، کار برده‌وار و حقوق‌های پرداخت نشده قاعده عمومی است، بی‌حقوقی و سرکوب و ترور مخالفین سیاسی بیداد میکند، آپارتاید جنسی و زن ستیزی و گانگستریسم حکم میراند، زندان و شکنجه و چوبه‌دار برقرار است، جنگ ارتجاعی کنونی نیز بر مشقات بمراتب افزوده و جامعه را سالها عقب برده است. یک پیامد این جنگ تقویت عریده‌های ناسیونالیستی و شوونیستی جنگ‌طلبانه از هر سو است که تماماً علیه منافع و وحدت جهانی کارگران است. در مقابل این موج دست راستی و فاشیستی، کارگران بر اتحاد طبقاتی و همبستگی جهانی فارغ از مرزها و هویت‌های کاذب تاکید میکنند. اول مه روز تاکید بر هویت طبقاتی - انترناسیونالیستی طبقه کارگر بعنوان یک جنبش تاریخی- جهانی است.

فراخوان ما به بخشهای مختلف جنبش بین‌المللی طبقه کارگر اینست که در مناسبت اول مه، در تقابل با جنگ و تبلیغات ناسیونالیستی و جنگ طلبانه بورژوازی، بر اتحاد انترناسیونالیستی کارگران در هر گوشه کره خاکی و بویژه بر همبستگی کارگران در کشورهای درگیر جنگ علیه دولتها و طبقه سرمایه‌دار تاکید کنیم. بر توقف بیدرنگ جنگهای ارتجاعی جاری در ایران و خاورمیانه و اوکراین پافشاری کنیم. جهان زیر نگین دولتهای مرتجع و میلیتاریست و تروریست نیست، کارگران میتوانند چرخها را متوقف کنند، بشریت آزادیخواه میتواند ورق را برگرداند.

اول مه فرصت مناسبی برای ۲۰۲۶ طرح آلترناتیو سیاسی طبقه کارگر برای آزادی جامعه است! سرمایه‌داری مُسبب و بانی کلیه مشقات انسان امروز است و بربریت مدرن را در زورق تکنولوژی مقابل ما قرار داده است. ما کارگران این بربریت را نمیخواهیم و انسانها را شایسته زندگی بهتری میدانیم، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت امروز است!

کارگران جهان متحد شوید!
زنده باد انقلاب کارگری!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۶ آوریل ۲۰۲۶ - ۲۷ فروردین ۱۴۰۵

به حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست کمک مالی کنید!

اول مه: علیه بربریت سرمایه داری، علیه

جنگ و فقر و نابرابری

(پیام رحمان حسین زاده رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست به

مناسبت اول مه)

کارگران!

در شرایطی به اول مه ۲۰۲۶ نزدیک میشویم، که سیطره جهانی سرمایه داری بیش از هر دوره ای، طبقه ما و کل بشریت را در همه سطوح زندگی در تنگنا قرار داده است. ما میلیاردها انسان کارکن، طبقه کارگر مزدی با جان کندن سخت تر از همیشه چرخ تولید همه نیازمندیهای بشر را به گردش درمیآوریم، اما حاصل کارمان نه رفاه و تأمین امکانات شایسته زندگی انسان امروز، بلکه بی حقوقی بیشتر، کمر خم کردن زیر استثمار خشن کاپیتالیسم است. سؤال اینست چرا بر مقهوریت اقتصادی و اجتماعی کارگر در برابر سرمایه افزوده شده است؟ چرا جنگ و تروریسم و مردم کشی و فقر، در پنج قاره بیداد میکند؟ جنگ ویرانگر و ضد انسانی در ایران و خاورمیانه و اوکراین و سودان و کشورهای آفریقا و آسیا، رنج بیسابقه و تباهی اجتماعی را ببار آورده است. خطر جنگهای بزرگتر در ابعاد جهانی تهدید دائمی بالای سر حیات میلیاردها انسان کره ارض است. جلو چشم همگان تروریسم دولتی و غیر دولتی روزمره علیه انسانیت عمل میکند. دردناکتر نسل کشی سابقه دار و طولانی مدت توسط فاشیسم حاکم بر اسرائیل علیه مردم فلسطین بربریت عربیان نظم سیاه حاکم را به نمایش میگذارد.

در اوج جهانی شدن سرمایه داری، در شرایطی که شاهد بزرگترین تحولات اقتصادی و عظیم ترین جهش های تکنولوژیکی هستیم و دنیا انباشته از ثروت حاصل کار طبقه ما است، چرا بقای فیزیکی و تأمین حداقل زندگی مشکل میلیاردها انسان تحت ستم از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی تا قلب پایتخت های اروپای غربی و آمریکاست؟ چرا دستاوردهای بی نظیر انقلاب تکنولوژیکی و هوش مصنوعی به رفاه و سعادت برای طبقه کارگر و مزدبگیران تبدیل نشده است؟ پاسخ این سئوالات روشن است؛ معماران این همه فجایع و بی حقوقیها و جنگها و قتل عامهای جمعی قدرتهای بزرگ و دولتهای نماینده و حافظ منافع سرمایه داری اند.

برای توجیه این فجایع انبوه، تحمیل بزرگترین عقبگردهای فکری و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، نژاد پرستی، کودک آزاری، زن ستیزی و مردسالاری و مهاجر ستیزی و ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم لازم شده و در صفوف طبقه ما و



بشریت برای به اسارت گرفتن مان اشاعه داده میشود. شکی نیست در دوره ای بسر میبریم که بربریت کاپیتالیستی را همین امروز در سراسر جهان با گوشت و پوست تجربه میکنیم. ادامه این بربریت جاری چیزی جز به تباہ کشیدن زندگی اکثریت عظیم ساکنین این کره خاکی و بی آیندگی نیست. عروج افسار گسیخته فاشیسم

معاصر در آمریکا و بلوک غرب نماد وقیح بربریت کاپیتالیسم معاصر است. براسستی دنیا برسر دوراهی است. هست و یا نیست جهان و بشریت هر دو صورت مسئله پاسخ نگرفته مقابل طبقه کارگر جهانی و بشریت است.

این شرایط را نباید تحمل کرد و باید علیه آن شورید و دگرگونش کرد. این رسالت طبقه ما، طبقه کارگر آگاه و سازمانیافته است. این تعهد و این وظیفه را در روز جهانی مان روز کارگر باید اعلام کنیم. اول مه فرصتی جهانی برای به مصاف کشیدن این نظام سراپا جنایت و بربریت سرمایه داری است. اول مه امسال بیش از پیش به اعلام اراده تغییر دهنده کارگر و کمونیسم برای نجات زندگی و انسانیت نیازمند است.

اکنون طبقه کارگر در ایران سخت ترین شرایط کار و زندگی نیم قرن اخیر را تجربه میکند. ضررمند اصلی جنگ امپریالیستی و ارتجاعی، طبقه کارگر و توده عظیم مردم رنج دیده اند. زدن زیرساختهای تولیدی و اجتماعی، نابودی بخش قابل توجهی از کارخانه ها و مراکز کار، بیکاری وسیع و کشته و زخمی های فراوان کارگران و مردم سیویل، آوارگی میلیونی، بزرگترین تهدید علیه پایه های اولیه زندگی طبقه کارگر و مردم است. مضافاً جمهوری اسلامی سراپا ضد کارگر و ضد انسان، جنگ را به عنوان "هدیه آسمانی" در راستای تشدید فقر و بیکاری و تحمیل فلاکت اقتصادی و ادامه سرکوب خشن هر صدای حق طلبانه و اعتراضی بکار گرفته و میگیرد.

متأسفانه امسال مصائب این جنگ ویرانگر در اول مه امکان جشن و شادی را به روال سابق از طبقه کارگر در ایران گرفته است. اما نمیتوانند اتحاد و همبستگی کارگری و تلاش برای تحکیم و گسترش آن را از کارگران بگیرند. توقع اینست در شرایط سخت و پیچیده اول مه امسال رهبران و پیشروان سوسیالیست جنبش کارگری ایران مثل همیشه و مبتکرانه تر آستین بالا زنند، در محل کار و هر جا که ممکن است، موانع را برطرف کنند. در اجتماعات خود در هر سطح ممکن اول مه را گرامی بدارند. مبشر گسترش اتحاد و همبستگی و همیاری انسانی در صفوف کارگران و مردم برای مقابله با لطمات سنگین جنگ و تعرضات معیشتی و سیاسی رژیم باشند. مبتکر ایجاد شبکه ها و نهادهای همیاری و

صفحه ۵

اعدام قتل عمد دولتی است!

اول مه: علیه بربریت سرمایه داری،**علیه جنگ و فقر و نابرابری ...**

کمک رسانی مردمی باشند. در سخنرانیها و قطعنامه های اول مه بربریت کاپیتالیستی را به نقد بکشند. بر خواست قطع دایمی جنگ تأکید کنند. بانیان فاشیست این جنگ را محکوم کنند. طبقه کارگر ایران را به حضور فعال در همبستگی بین المللی کارگری و ایجاد بیشترین اتحاد علیه جنگ ارتجاعی آمریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامی و ترندهای هیئت حاکمه فراخوانند. جمهوری اسلامی در دوره جنگ و بعد از جنگ فقر و بیکاری و سرکوب خشن را تشدید میکند. طبقه کارگر برای مقابله با چنین ترندهای ضد کارگری راهی جز اتکا به مبارزات جمعی و اعتصابات کارگری ندارد. خواست و شعار "نه به جنگ، نه به فقر و بیکاری و سرکوب و اعدام" میتواند محور متحد کننده اعتراضات کارگری و توده ای قابل انتظار باشد.

کارگران!

پایان دادن به مصائب نظم سرمایه داری در جهان و در ایران به حضور آگاهانه و سازمان یافته جنبش سوسیالیستی کارگری، به سازماندهی انقلاب کارگری برای درهم کوبیدن نظم وارونه کاپیتالیستی گره خورده است. راه سومی نیست. با بن بست و سترونی چپ بورژوا فرمیست هیچ آلترناتیو بینابینی برای تعدیل و بهبودی در کارکرد سرمایه وجود ندارد. آلترناتیو سوسیالیسم کارگری با تکیه بر ظرفیتهای تواناییهای فی الحال موجود طبقه کارگر و مزدبگیران متنفر از نظم سرمایه و در عین حال با فائق آمدن بر دشواریها و موانع و محدودیتهای موجود در جنبش کارگری و کمونیستی میتواند ورق را برگرداند. ما خود را بخش لاینفک این تلاش و نبرد طبقاتی و سیاسی در سطح جهان و در ایران میدانیم.

زنده باد اول مه

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری

اردیبهشت ۱۴۰۵ - آوریل ۲۰۲۶

زنده باد اول مه!**بسوی انقلاب سوسیالیستی!**

أفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست.

کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند.

اگر جنبشهای طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در عین طرح خواستهای بلاواسطه اش، پرچم آزادی انسان از انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است.

این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۶

www.hekmatist.org**برنامه های تلویزیون پرتو،**

رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:<https://alternative-shorai.tv/>**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**

اول ماه مه

لنین

(آوریل ۱۹۰۴)

رفقای کارگر!

اول ماه مه در راه است، روزی که کارگران تمامی سرزمین ها، باز شدن چشمان-شان را به سوی یک زندگی آگاهانه، همبستگی-شان را در مبارزه علیه تمامی اشکال اجبار و اضطراب و ستم انسان به دست انسان، یعنی مبارزه برای رها ساختن میلیون ها زحمتکش از گرسنگی، فقر و حقارت را جشن می گیرند. در این پیکار سترگ، دو جهان چهره به چهره یک دیگر می ایستند: جهان سرمایه و جهان کار؛ جهان استثمار و بردگی، و جهان برادری و برابری.

در یک سو، مشتی ثروتمند خون آشام قرار دارند. آن ها هستند که کارخانجات و مراکز تولیدی، ابزارها و ماشین آلات را تصرف و میلیون ها جریب زمین و کوه هایی از پول را تحت مالکیت خصوصی خود درآورده اند. آن ها حکومت و ارتش را به خدمتگزاران، سگ های پاسبان باوفای ثروت انباشته خود مبدل کرده اند.

در سوی دیگر، میلیون ها نفر از محرومان جای دارند. کسانی که مجبورند به مشتی نوکیسه پولدار التماس کنند تا به آن ها اجازه کار کردن بدهند. با کار آن هاست که این افراد تمام ثروت ها را خلق می کنند؛ با این حال خودشان باید در تمام طول زندگی برای خرده ای نان مبارزه کنند؛ برای کار التماس کنند، توگویی صدقه می خواهند؛ نیرو و سلامت خود را با زحمات کمرشکن تحلیل ببرند، و در آلونک های محقر روستایی یا اتاق های زیرشیروانی و انبارهای زیرزمین در شهرهای بزرگ، از گرسنگی جان دهند.

اما اکنون این زحمتکشان محروم به نوکیسگان پولدار و استثمارگران، اعلام جنگ نموده اند. کارگران تمامی کشورها درحال مبارزه برای آزاد ساختن کار از بردگی مزدی، از فقر و احتیاج هستند. آن ها مشغول مبارزه برای نظامی از جامعه هستند که در آن ثروت حاصل از کار مشترک، نه مشتی ثروتمند، که هر آن کس را که کار می کند، منتفع می سازد. آن ها می خواهند که زمین و کارخانجات، مراکز تولیدی و ماشین آلات را تحت مالکیت مشترک تمامی زحمتکشان درآورند. خواهان آنند که به شکاف میان فقیر و غنی پایان دهند، ثمرات کار را به خود کارگران برسانند؛ تمامی دستاوردهای فکری بشر و تمامی بهبودهای روش های کار را درخدمت بهبود سرنوشت کسی قرار دهند که کار می می کند، و نه این که آن را به ابزار ستم بر وی تبدیل کنند.

پیکار عظیم کار علیه سرمایه، به بهای فداکاری های عظیم کارگران صورت گرفته است. آن ها بهای حق برخورداری از یک زندگی بهتر و آزادی واقعی را با جوی هایی از خون خود پرداخته اند. آنانی که در راه



آرمان طبقه کارگر مبارزه می کنند، مورد اذیت و آزارهای بی-شمار حکومت ها قرار می گیرند. اما با وجود تمامی آزار و اذیت ها، همبستگی کارگران جهان، رو به رشد و قوام گرفتن است. کارگران هر چه پیش-تر در احزاب سوسیالیست متحد می شوند؛ هواداران این احزاب که در حال رسیدن به

میلیون ها نفر هستند، به طور پیوسته و گام به گام به سوی پیروزی کامل بر طبقه استثمارگران سرمایه دار پیش می روند.

پرولتاریای روسیه نیز چشم به زندگی نوینی گشوده است. او نیز به این پیکار عظیم پیوسته. آن روزهایی که کارگر ما مطیعانه بردگی می کرد، آن روزهایی که نه مفتری برای گریز از وضعیت اسارت بارش می دید و نه کورسوی امیدی در زندگی تلخ خود داشت، سپری شده است. سوسیالیزم راه برون رفت را به او نشان داده، و هزاران هزار مبارز به زیر پرچم سرخ، این ستاره راهنمای مسیر، گرد آمده اند. اعتصاب ها، قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند؛ به آن ها آموخته اند که حمله را با حمله پاسخ دهند؛ به آن ها نشان داده اند که کارگر سازمان یافته تا چه حد می تواند برای سرمایه هراس انگیز باشد. کارگران دریافته اند که از قبل کار آن هاست که سرمایه داران و حکومت، زنده اند و فربه می شوند. کارگران با روح مبارزه متحدانه، با آرزوی آزادی و سوسیالیزم برانگیخته شده اند. کارگران دریافته اند که حکومت مطلقه تزار چه نیروی اهریمنی و سیاهی است. کارگران برای مبارزه خود نیازمند آزادی هستند، ولی حکومت تزار دست و پای آنان را می بندد. کارگران به آزادی اجتماع، آزادی تشکل، آزادی مطبوعات و کتاب نیاز دارند، اما حکومت تزاری هرگونه کوشش برای آزادی را با تازیانه، زندان و سرنیزه، درهم می شکند. فریاد «مرگ بر حکومت مطلقه!» طول و عرض روسیه را درنوردیده، بیش از پیش در عموماً خیابان ها، گردهمایی های وسیع توده ای کارگران، به گوش رسیده است. تابستان سال پیش، ده ها هزار نفر از کارگران در سرتاسر جنوب روسیه برای یک زندگی بهتر، برای آزادی از سلطه پلیسی، به مبارزه برخاستند. بورژوازی و حکومت با مشاهده ارتش مهیب کارگران که با یک ضربه، کل حیات اقتصادی شهرهای بزرگ را به وقفه درآورده بود، به خود لرزید. بسیاری از مبارزین راه آرمان طبقه کارگر، در مقابل گلوله سیرازی که تزاریزم علیه دشمن داخلی گسیل داشته بود، به خاک افتادند.

اما نیروی نیست که قادر به درهم شکستن این دشمن داخلی باشد، چرا که طبقات حاکم و حکومت، تنها با نیروی کار آن زنده هستند. نیروی بر روی زمین نیست که بتواند میلیون ها کارگری را که بیش از پیش به آگاهی طبقاتی دست می یابند، متحد می شوند و سازمان می یابند، درهم بشکنند. هر شکستی که کارگران متحمل می شوند،

صفحه ۷

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

اول ماه مه ...

لنین

مبارزین جدیدی را برای صفوف مبارزه به ارمغان می آورد، چشم توده های وسیع تری را به یک زندگی جدید بازمی کند و آن ها را برای مبارزات تازه آماده می سازد.

سیر رویدادهایی که روسیه دارد طی می کند، به گونه ای است که این بیداری توده های کارگر، به طور قطع سریع تر و گسترده تر خواهد بود، و ما باید برای متحد ساختن صفوف پرولتاریا و آماده کردن آن برای مبارزه به مراتب قاطعانه تری، نهایت تلاش خود را به کار بندیم. جنگ حتی عقب مانده ترین بخش های پرولتاریا را هم وادار کرده است تا به مسائل و امور سیاسی علاقه نشان دهند. جنگ با وضوح و روشنی بیشتری درحال به نمایش گذاشتن گندیدگی تمام و کمال نظم حکومت مطلقه، جنایتکاری تام و تمام پلیس و باند دستگاه قضایی حاکم بر روسیه است. مردم ما از احتیاج و گرسنگی در داخل رو به مرگ هستند- درحالی که خود به جنگی ویرانگر و بی معنا برای قلمروهایی بیگانه کشانده شده اند که فرسنگ ها از این جا دورند و اقوام خارجی در آن سکنا گزیده اند*. مردم ما در بردگی سیاسی، مغلوب هستند- درحالی که خود به جنگ برای به بردگی کشاندن سایر مردم کشیده شده اند. مردم ما خواهان تغییر نظم سیاسی در داخل هستند- اما تلاش می شود که با غرض تفنگ ها در آن سوی دنیا، توجه آن ها منحرف گردد. ولی حکومت تزار در این قمار خود، در بر باد دادن جنایتکارانه ثروت ملت و مردان جوانی که به سواحل اقیانوس آرام فرستاد تا بمیرند، بیش از حد پیش رفته است. هر جنگی به مردم فشار می آورد، و جنگ دشوار علیه ژاپن با فرهنگ و آزاد، فشاری دهشتناک بر گرده روسیه است. این فشار در زمانی وارد می آید که ساختار استبداد پلیسی، تاکنون زیر ضربات پرولتاریای بیدار و هوشیار، تلو تلو خوردن های خود را آغاز کرده است. جنگ درحال عریان کردن تمامی نقاط ضعف حکومت است، جنگ درحال دریدن تمامی لباس های مبدل دروغین است، جنگ در حال افشای کل گندیدگی داخلی است؛ جنگ در حال افشای مضحکه حکومت مطلقه تزار در پیش روی همگان است؛ جنگ آخرین جان کنندن های روسیه کهن را به همه نشان می دهد، روسیه ای که مردم آن نادان، سر به زیر و فاقد حق رأی هستند؛ روسیه ای که هنوز هم در آن سیرف در اسارت حکومت پلیسی قرار دارد.

روسیه کهن در حال احتضار است. روسیه ای آزاد در راه است که جای آن را بگیرد. نیروهای سیاهی که از حکومت مطلقه تزار پاسبانی می کردند، در حال غرق شدن هستند. اما تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است که ضربه مرگ بار را به آنان وارد سازد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی می تواند

آزادی حقیقی و نه ساختگی را برای مردم به ارمغان بیاورد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی است که می تواند هرگونه تلاش را برای فریفتن مردم، محدود کردن حقوق آن ها و تبدیل آن ها به ابزاری صرف در دستان بورژوازی، در نطفه خفه کند.

رفقای کارگر! پس بگذارید که ما با انرژی مضاعف برای نبرد تعیین کنندۀ ای که در شرف وقوع است، آماده شویم! بگذارید که صفوف پرولترهای سوسیال دمکرات هر چه منسجم تر به هم نزدیک شوند! بگذارید پیام- شان هرچه وسیع تر گسترش یابد! بگذارید فعالیت برای مطالبات کارگران هر چه متهورانه تر انجام شود! بگذارید که جشن اول ماه مه هزاران مبارز جدید را به سوی آرمان ما جلب کند و نیروهای ما را در نبرد عظیم برای آزادی تمام مردم، برای رهایی تمام زحمتکشان از یوغ سرمایه، افزون نماید!

زنده باد هشت ساعت کار در روز!
زنده باد سوسیال دمکراسی انقلابی بین المللی!
سرنگون باد حکومت مطلقه جنایتکار و غارتگر تزار!

ترجمه: کیوان نوفرستی
منبع:

<http://www.marxists.org/archive/lenin/works/1904/apr/30a.htm>

* توضیح مترجم: مقصود جنگ روسیه-ژاپن است که در تاریخ 8 فوریه 1904 آغاز و نهایتاً با امضای پیمان صلح به دعوت تئودور روزولت در اوهایو به تاریخ 5 سپتامبر 1905، به پایان رسید. جاه طلبی های روسیه تزاری در آسیا با لشکرکشی امپریالیزم جوان و نیرومند ژاپن به سمت غرب، که نهایتاً به اشغال منچوری و فشار به مرزهای روسیه در شرق دور و سیبری انجامید، رو به رو شد. این جنگ با تحمیل شکست های مفتضحانه به روسیه که نقطه اوج آن در سقوط بندر «پورت آرتور» بود، گندیدگی درونی رژیم تزاری را به خوبی به نمایش گذاشت. موج نارضایتی عمومی در جامعه به دنبال سلطنت مطلقه تزار و همین طور ویرانی های حاصل از جنگ، این بار حتی عقب مانده ترین اقشار طبقه کارگر را هم تحت تأثیر قرار داده بود. به همین دلیل وقوع این جنگ در واقع یکی از عوامل مهم تسریع کننده انقلابی بود که در سال 1905 به وقوع پیوست.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!
کارگران جهان متحد شوید!



Workers of the World unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

زنده باد کمیته کمونیستی کارخانه

منصور حکمت

شرایط شان این بود:
"بردگی"

اگر به خاک افتید
و مرگ
اگر بایستید"

شرایط شان آشنا بود.
این اولین شورش بردگان نبود
و کیف چرمین سیاه در دست مامور محترم وزارتخانه
به تازیانه ای می مانست
که بر پشت پدرانمان کوفته بودند.

مشت در مشت گره کردیم و زمزمه کردیم:

"می ایستیم و می مانیم"

نه ساعت هر روز و شش روز هر هفته:
چند بار می شود انترناسیونال را زمزمه کرد؟
برده ای که به بردگیش پی برده باشد
نیمی از زنجیر هایش را گسسته است

آری...

اما نیم دیگر زنجیرها سنگین اند-

- هنوز زنجیر اند،

و در فردای اعتصاب شکست خوردگان
صد بار سنگین اند،
و از آن سنگین تر
نگاه ملامت فرزند مشتاقی است
که تا آستانه در دویده و پرسیده است:

- "پنجشنبه ها را گرفتند؟"

- "مرتضی آزاد شد؟"

نه ساعت هر روز و شش روز هر هفته
چند بار می شود انترناسیونال را زمزمه کرد؟
اعتصاب را شکسته اند و فردا
سرود سرمستی را بر هر کوی و برزن و کارخانه فریاد می کنند:

- اخراج می کنیم،

بیکار می کنیم،

به زنجیر می کشیم



و آنرا که هنوز سر
ایستادن هست،
بر چوبه های عبرت،
بردار می کنیم،

صد و سی سال است که
چنین می گویند و می
کنند.
اما ما هنوز ایستاده ایم

هر روز،
هر ماه،
هر سال،
برای صد و سی سال.

نه ساعت هر روز و شش روز هر هفته
اما پایان اعتصاب
پایان کار نیست،
فردا،

فردا صبح در رخت کن

فردا سر نهار،
فردا ته سرویس،
دهها رفیق زمزمه می کنند:

"حق با کمیته بود"

و توصیه های عمل نکرده ما را تکرار می کنند.
فردا بدون شک بر دیوار روبروی موتورخانه
خط جدیدی نوشته است:

"زنده باد کمیته کمونیستی کارخانه!"

نه ساعت هر روز و شش روز هر هفته

و طنین انترناسیونال

هر بار،

رساتر می شود.

نادر (منصور حکمت)

به نقل از نشریه پیشرو ارگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران -
کومه له

شماره ۲۳ دوره چهارم شهریور ۱۳۶۹ صفحه ۱۹ و ۲۰

کمونیسم تنها راه نجات بشریت است!

فراخوان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در کردستان در حمایت از امنیت پناهندگان در

کردستان عراق

پیامدهای جنگ ارتجاعی آمریکا، اسرائیل و ایران تنها به جامعه ایران محدود نمانده است و اثرات آن در دیگر کشورهای منطقه امنیت میلیونها نفر را به خطر انداخته و آینده زندگی آنان را در هاله‌ای از ابهام و ناروشنی فرو برده است.

کردستان عراق یکی از این جوامع است که چند دهه است هزاران نفر از کارگران، هنرمندان و مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی و احزاب و جریانات سیاسی همراه خانواده و بستگان خود در آنجا پناه گرفته‌اند و علیرغم سرکوبگریهای همیشگی رژیم در آنجا زندگی می‌کنند. روند جنگ و آتش بس کنونی و وضع نا روشن آینده آن خطر تهدیدات جمهوری اسلامی را در مقابل این پناهندگان روز به روز افزایش داده و موجب نگرانی وسیع در بین آنها شده است.

حملات هوایی جمهوری اسلامی و نیابتی های آن به اقلیم کردستان و اردوگاههای احزاب اپوزیسیون و اردوگاههای پناهندگان و تعرض و تهدید علنی تر وابستگان جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان عراق خطر تشدید ترور و ایجاد ناامنی را بیش از پیش به کابوسی در بین پناهندگان و مخالفین سیاسی در کردستان عراق تبدیل کرده است. و این درحالی است که احتمال دست درازی و تعرض بیشتر جمهوری اسلامی باتوجه به آینده نامعلوم جنگ می تواند از این فاجعه بارتر باشد.

از طرف دیگر دولت مرکزی عراق و احزابی در حکومت اقلیم کردستان که در همپیمانی و همدستی با جمهوری اسلامی سالها است تهدید و فشار و بمباران علیه احزاب اپوزیسیون کردستان ایران را عملی کرده‌اند، اکنون بیش از پیش به خطری برای امنیت این پناهندگان تبدیل شده‌اند. علاوه براین جریانات مرتجع اسلامی هوادار جمهوری اسلامی با تبلیغ و پروپاگاندا ضد انسانی وجود این پناهندگان را بعنوان منشا ناامنی در کردستان عراق معرفی کرده و به اینصورت میکوشند مردم کردستان عراق را در مقابل آنها قرار بدهند. گرچه تلاش نهادها و شخصیت های انساندوست در کردستان عراق در مقابل این سیاست تفرقه افکنانه جریانات اسلامی در جریان است، اما لازم است مردم آزادیخواه کردستان عراق ضمن حمایت از پناهندگان علیه فشار و تهدید امنیت آنها دست به اعتراض بزنند.

در این راستا ضمن نگرانی از وضع کنونی پناهندگان و برای جلوگیری از یک فاجعه انسانی در کردستان عراق، ما امضا کنندگان زیر از تمامی احزاب سیاسی، تشکل های مدنی در کردستان عراق و خارج کشور، تمامی ارگان ها و دوائر حقوق بشری و حامی پناهندگی در همه کشورها تقاضا داریم با بهره گرفتن از امکانات خود، از پیکت و تظاهرات، تا بکارگیری امکانات موجود خود و فشار به حکومت اقلیم کردستان و دولت عراق، رسیدگی به وضعیت این پناهندگان را در اولویت فعالیت های خود قرار

دهند. دولت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان مسئول حفظ جان و امنیت و حقوق شهروندی پناهندگان و اپوزیسیون ایرانی در عراق هستند. از همه انسان‌های آزادیخواه و انساندوست انتظار داریم با امضای این طومار در تقویت حمایت و دفاع از پناهندگان در کردستان عراق بکوشند.

رونوشت: به نهاد و تشکل‌های مدافع پناهندگان و سازمانهای حقوق بشری و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

به امید ابتکار و تلاش‌های بیشتر

اسامی:

۱. آرام آلنبی
۲. آرام فتاحی
۳. آرام هاشمی
۴. آرتین مرادی
۵. آرزو بیکس
۶. آرزو سنندجی
۷. آرمان عظیمی
۸. آرمان عزیزی
۹. آرمان نجاری
۱۰. آمانج خالصی
۱۱. آوات صادقی
۱۲. ابراهیم باتمانی
۱۳. ابراهیم حیدری
۱۴. ابراهیم رستمی
۱۵. ابراهیم شیخانی
۱۶. ابراهیم گومانی
۱۷. ابوبکر شریف زاده
۱۸. ابوبکر مهربانی
۱۹. احمد حسینی
۲۰. احمد عزیز پور
۲۱. احمد نیک آذر
۲۲. احمد نیکجو
۲۳. اختر کمانگر
۲۴. اردشیر نصراله بیگی
۲۵. اسماعیل ویسی
۲۶. اسمر بوکانی
۲۷. اسکندر لطفی
۲۸. اصغر نصرتی
۲۹. افشین روغنی
۳۰. الماس فرضی
۳۱. الهام صالح نیا
۳۲. انسی رفیعی
۳۳. امید بهادری
۳۴. امید رحمانی
۳۵. امید رضایی
۳۶. امید مجدی
۳۷. امید میرکی
۳۸. امید شریعتی
۳۹. امیر عسکری
۴۰. اوین رضائی
۴۱. ایران مروتی
۴۲. بابک بالغی
۴۳. بارزان حسنپور
۴۴. باور عابدینی
۴۵. بایزید مولودی
۴۶. بهنام آرائی
۴۷. بهمن خاکسار
۴۸. بهرام رحمانی
۴۹. بهروز صلواتی
۵۰. بیژن جهانبخش
۵۱. بیژن هدایت
۵۲. پدram نصرالهی
۵۳. پروانه احمدی
۵۴. پروین معاذی
۵۵. پوریا ندیمی
۵۶. تهمینه طهماسبی
۵۷. ثریا فتاحی
۵۸. ثریا خضری
۵۹. جعفر امیری
۶۰. جمال زمانی
۶۱. جلال محمدنژاد
۶۲. جلال محمودزاده
۶۳. جلیل رضائی
۶۴. جمشید اساسی
۶۵. جمیل خوانچه‌زر
۶۶. جمیله راستی
۶۷. حبیب سلطانی
۶۸. حبیب رشیدی
۶۹. حسام قادرپور
۷۰. حسن آنارکو
۷۱. حسن حسام
۷۲. حسن شمس
۷۳. حسن کاکاوند
۷۴. حسن معارفی پور
۷۵. حسن نقشبندی
۷۶. حسین عارفی
۷۷. حمید فروتن
۷۸. حمیلا نیسگیلی
۷۹. حیات الماسی

۸۰. خالد علیپناه
۸۱. دالیا فرضی
۸۲. دامون فرضی
۸۳. رابعه فتحی
۸۴. رادا فاتحی
۸۵. رامین یگانه
۸۶. رحمان ارغوانی
۸۷. رحمان حسین زاده
۸۸. رحمت سید
۸۹. رحمت فاتحی
۹۰. رحیم بهرامسری
۹۱. رحیم محمودی
۹۲. رحیم عزیز پور
۹۳. رشید رزاقی
۹۴. رزگار خلیفه زاده
۹۵. رسول بناوند
۹۶. رسول دانشور
۹۷. رضا مقدم
۹۸. رضا کمانگر
۹۹. رئوف پرستار
۱۰۰. رواز کریمی
۱۰۱. روناک آشناگر
۱۰۲. روناک خضری
۱۰۳. روناک زندی
۱۰۴. روناک میرانی
۱۰۵. روناک ناصری
۱۰۶. روزین امینی
۱۰۷. رویا هایکو
۱۰۸. ری بین شمع
۱۰۹. ریزان معارفی پور
۱۱۰. زاهد طاهایی
۱۱۱. زانبار حمیدی
۱۱۲. زهره خواجه
۱۱۳. زویا سپهری
۱۱۴. ساکار احمدیان
۱۱۵. سردار قادری
۱۱۶. سروه زارعی
۱۱۷. سروه رضائی
۱۱۸. ستار رحمانی
۱۱۹. سمکو بنفشه
۱۲۰. سمیه اسدی
۱۲۱. سهند حسینی
۱۲۲. سوسن بهادوری
۱۲۳. سوسن بهار
۱۲۴. سوسن هجرت
۱۲۵. سیروس ایل بیگی
۱۲۶. سیف صادقی
۱۲۷. سیما محضری
۱۲۸. سیوان احمدی
۱۲۹. سیوان کریمی
۱۳۰. سعید آرمان
۱۳۱. سعید تبریزی
۱۳۲. سعید سفیدی
۱۳۳. سعید یگانه
۱۳۴. سلیمان قاسمبانی
۱۳۵. سه رکهوت رستم گرجی
۱۳۶. صبری کهنه پوشی
۱۳۷. صحرا صبا
۱۳۸. صبا پورمهر
۱۳۹. صدیقه مجدی
۱۴۰. صلاح مازوجی
۱۴۱. صالح سرداری
۱۴۲. صالح کوله سه
۱۴۳. شاهرخ اطلسی
۱۴۴. شب بو مرادی
۱۴۵. شمال علی
۱۴۶. شمسی خرمی
۱۴۷. شمی صلواتی
۱۴۸. شهرام خلیلی
۱۴۹. شهلا خیاباززاده
۱۵۰. شهلا سعیدی
۱۵۱. شهناز خندانی
۱۵۲. شهین نعمتیان
۱۵۳. شویو نادری
۱۵۴. شورش مولانی
۱۵۵. شونم شمع
۱۵۶. شیدا عارفی
۱۵۷. شیرین ابراهیمی
۱۵۸. شیلان زارعی
۱۵۹. شلیر یوسفی
۱۶۰. طلا صمدی
۱۶۱. عبدالله قادریان
۱۶۲. عبه دارابی
۱۶۳. عثمان رضایی
۱۶۴. عرفان کریمی
۱۶۵. عفت ماهباز
۱۶۶. عزیز عبدالله پور
۱۶۷. عباس ایاغ
۱۶۸. علی خدری
۱۶۹. علی سعادت
۱۷۰. علی لگزی
۱۷۱. علی محسنی
۱۷۲. علی مردوخی
۱۷۳. فاطمه مجدی
۱۷۴. فاتح گویلیان
۱۷۵. فرج زارعی
۱۷۶. فرزاد عارفی
۱۷۷. فرزاد مرادی نیا
۱۷۸. فرشید شکری
۱۷۹. فرهاد دانشور
۱۸۰. فرهاد رمضانعلی
۱۸۱. فرهاد زندی
۱۸۲. فرهاد خالدیان
۱۸۳. فرزانه زلفی
۱۸۴. فردین احمدی
۱۸۵. فریبا مجدی
۱۸۶. فرید دانانی
۱۸۷. فریده آقاجانی
۱۸۸. فریده تحسینی
۱۸۹. فریده رضایی
۱۹۰. فواد آقابگزاده
۱۹۱. کاظم عباسی
۱۹۲. کایا هاماری
۱۹۳. کاروان درسید
۱۹۴. کاوه مجدی
۱۹۵. کبری غریبی
۱۹۶. کریم علیپور
۱۹۷. کمال تکن
۱۹۸. کمال عزیزی
۱۹۹. کتایون حسینی
۲۰۰. کیوان کتابی
۲۰۱. کیومرث کابلی
۲۰۲. کوشا آذری
۲۰۳. گلاویز محمودزاده
۲۰۴. گلناز گل مجدی
۲۰۵. گوهر معمارزاده
۲۰۶. گوهر مجد زاده
۲۰۷. غلام مجدی
۲۰۸. لاوژه جواد حمد
۲۰۹. لقمان ویسی
۲۱۰. لیلا ارغوانی
۲۱۱. لیلا قاسمبانی
۲۱۲. لیلی مهترعباسی
۲۱۳. م. شکیب
۲۱۴. ماردین اسدی
۲۱۵. مرسته قانندی
۲۱۶. محسن ابراهیمی
۲۱۷. محسن حسینی
۲۱۸. محسن رجب زاده
۲۱۹. مجد آسنگران
۲۲۰. مجد خضری
۲۲۱. مجد زندی
۲۲۲. مجد سلطانی
۲۲۳. مجد عذیری
۲۲۴. مجد قادری
۲۲۵. مجد نبوی
۲۲۶. مجد نعمتی
۲۲۷. مجد ولدی
۲۲۸. مجد کمالی
۲۲۹. مجد مجدپور
۲۳۰. مجد حسین مهرزاد
۲۳۱. مجد حمیدی
۲۳۲. مجد منوچهری
۲۳۳. محمود خاطری
۲۳۴. محمود سی سیری
۲۳۵. محمود قادر
۲۳۶. محمود قهرمانی
۲۳۷. مختار مجدی
۲۳۸. مریم مصطفی سلطانی
۲۳۹. مسعود عظیمی
۲۴۰. مسعود نیکخواه
۲۴۱. مصطفی معماری
۲۴۲. ملا عثمانی رضایی زاده
۲۴۳. منصور خالدی
۲۴۴. مهرداد امین وزیری
۲۴۵. مهری سعدوند
۲۴۶. مهناز صلواتی
۲۴۷. مهین درویش روحانی
۲۴۸. مینا احدی
۲۴۹. مینا زرین
۲۵۰. مینو میرانی
۲۵۱. مینو شقایقی
۲۵۲. مظفر پاکسرشت
۲۵۳. نادیا کریمی
۲۵۴. ناصح چهارگانه
۲۵۵. ناصر مجدی
۲۵۶. ناصر مرادی
۲۵۷. ناصر ناصری
۲۵۸. نسرين رمضانعلی
۲۵۹. نسرين قادرزاده
۲۶۰. نصرت بهشتی
۲۶۱. ناهید سنجری
۲۶۲. ناهید نبوی
۲۶۳. ناهید فلاح
۲۶۴. نیشتمان فرزادیان
۲۶۵. نینا سرافراز
۲۶۶. هادی رحیمی
۲۶۷. هاوژین علیپور
۲۶۸. هژیر نینا
۲۶۹. هلاله طاهری
۲۷۰. هلن نصرت
۲۷۱. هلمت احمدیان
۲۷۲. هلمت مرادی
۲۷۳. همایون گزازگر
۲۷۴. هیوا ناظری
۲۷۵. یدی عزیزی
۲۷۶. یدی کریمی
۲۷۷. یونس خلیل آقایی
۲۷۸. ژیلدا دانشفر
۲۷۹. ژیلدا حیدری
۲۸۰. ژیلدا نگهدار
۲۸۱. ژوبین آسنگران
۲۸۲. ژوبین مردوخی



خدمات درمانی امتیازی نیست که بر اساس سیاست اعطا یا سلب شود؛ بلکه یک حق بنیادین انسانی است. استفاده از نظام‌های درمانی به‌عنوان ابزار کنترل سیاسی، در هر شرایطی غیرقانونی، غیراخلاقی و غیرقابل توجیه است.

امضا کنندگان:

۱. هلاله طاهری، بنیان‌گذار سازمان زنان و جامعه خاورمیانه (MEWSO) - بریتانیا
۲. دشتی جمال، دبیر فدراسیون بین‌المللی پناهندگان عراقی - (IFIR) بریتانیا
۳. بهار مونذیر، عضو هیئت مدیره سازمان مستقل زنان - (IWO) عراق/کردستان
۴. سوسن سلیم، مدیر سازمان حقوق زنان کرد و خاورمیانه - (KMEWO) بریتانیا
۵. سعید آرمان، دبیر فدراسیون بین‌المللی پناهندگان ایرانی - (BIMARZ) بریتانیا
۶. عبدالکریم عبدالساده عمران (ابو وطن)، رئیس فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری عراق و رئیس اتحادیه عمومی انرژی - عراق
۷. سازمان دابین برای توسعه دموکراسی و حقوق بشر - کردستان عراق
۸. شبکه ۸ مارس - (متشکل از ۳۰ سازمان، روزنامه‌نگار و دانشگاهی، تأسیس ۲۰۲۲، برای حمایت از حقوق زنان و مبارزه برای برابری زنان و مردان در کردستان)
۹. اتحاد برای آزادی کارگران - بریتانیا
۱۰. آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن (WLO)
۱۱. لیزا ماری، هم‌بنیان‌گذار و مدیرعامل - FILIA تقویت صدای زنان
۱۲. براگنا پاتل، مدیر مشترک پروژه رزیست - بریتانیا
۱۳. مرسله قانیدی، عضو هیئت مدیره «نه به اعدام در ایران»
۱۴. سلیمان قاسمیانی، رئیس مرکز هنر و ادبیات کارگری - مجله هانا - سوئد
۱۵. جنبش برای عدالت به هر وسیله لازم - بریتانیا
۱۶. مریم نمازی، سخنگوی «یک قانون برای همه» - بریتانیا
۱۷. ربیوار عارف، رئیس کنگره آزادی و تغییر - کردستان/عراق
۱۸. ویکی موریس، فعال اتحادیه کارگری (UNISON) به‌صورت شخصی
۱۹. آزادی برای توسعه پایدار در کردستان - کردستان/عراق
۲۰. هلاله رافع، کمیته بین‌المللی حقوق زنان و پناهگاه زنان نینا - سوئد
۲۱. جویندگان عدالت کردستان - کردستان عراق
۲۲. سارا مجد، رئیس «هرگز فراموش نکن پلا و فادیم» - سوئد
۲۳. مجد علوش، دبیرکل اتحادیه مبارزه کارگران فلسطین - فلسطین
۲۴. دیان نامی، مدیر اجرایی سازمان زنان کرد و ایرانی (IKWRO)
۲۵. کارن جانسون، فعال زن، کمپین‌گر ضد سیاست‌های ضد مهاجرت و عضو اتحادیه‌های کارگری PCS و No Sweat
۲۶. انجمن مجروحان و جویندگان عدالت خیزش ژنیا
۲۷. سازمان صدای کردستان شرقی - کردستان/ایران
۲۸. نهاد صدای متحد - ایران
۲۹. شیللا بیدلکامب، فعال حقوق حیوانات در دورست و فعال اتحادیه (UNISON) به‌صورت شخصی
۳۰. صمد الماسی، همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن، بریتانیا
۳۱. سازمان اتحاد زن - زندگی - آزادی - ایران
۳۲. سازمان فعالان حقوق بشر - ایران
۳۳. عزیزه لطفی، عضو هیئت مدیره اتحادیه زنان کردستان - کردستان/ایران
۳۴. ای. اسدی، دبیر فدراسیون بین‌المللی پناهندگان ایرانی - سوئد
۳۵. صحرا بهار، عضو «عدالت برای زندانیان در ایران، علیه اعدام» - ایران
۳۶. پروژه زنان کرد - لندن (KWP)
۳۷. زهرا تکین، شبکه جامعه ایرانی (آکسفورد) - بریتانیا
۳۸. صدیقه مجدی، انجمن مبارزه برای آزادی زنان ایران - سوئد

بیانیه مشترک فعالان زن و سازمان‌های حقوق بشر

درباره مرگ غزال مولان

عدالت باید اجرا شود: پایان دادن به رویه‌های تبعیض آمیز پزشکی و

حفاظت از حق بنیادین حیات

غزال مولان، زن ۲۰ ساله و عضو سازمان زحمتکشانش، در تاریخ ۱۴ آوریل در پی حملات پهلادی جمهوری اسلامی ایران که اردوگاه پناهندگان در سوردش در اقلیم کردستان عراق را هدف قرار داد، به‌شدت مجروح شد. با وجود وضعیت وخیم و تهدیدکننده جان او، وی میان چندین بیمارستان در سلیمانیه منتقل شد و به‌طور سیستماتیک به دلیل هویت سیاسی‌اش و موانع تبعیض آمیز قانونی و اداری از دریافت خدمات درمانی محروم گردید.

بیمارستان بخشین، که به‌طور کامل برای ارائه مراقبت‌های لازم مجهز بود، به‌صراحت به دلایل سیاسی از پذیرش و درمان او خودداری کرد و نبود مجوز از سوی پلیس محلی تحت حکومت اقلیم کردستان (KRG) و همچنین سیاست‌های منع پذیرش اتباع ایرانی یا افراد وابسته به نیروهای پیشمرگه را بهانه قرار داد. این اقدام مصداق محروم‌سازی عمدی از مراقبت‌های حیاتی و نجات‌بخش است.

ما، به‌عنوان سازمان‌های زنان و فعالان حقوق بشر، این اقدام را به‌طور قاطع به‌عنوان نقض فاحش حقوق بشر بین‌المللی و اصول اخلاق پزشکی محکوم می‌کنیم. ما حکومت اقلیم کردستان را مسئول اجرای سیاست‌های تبعیض آمیز و غیرقانونی می‌دانیم که به‌طور مستقیم به مرگ غزال مولان منجر شده است. این سیاست‌ها تبعیض در خدمات درمانی را نهادینه کرده و ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی را به ابزار حذف سیاسی تبدیل می‌کنند، که نقض آشکار تعهدات قانونی و اخلاقی آنان است.

ما همچنین تأکید می‌کنیم که محروم‌سازی از درمان در این مورد، نقض حق بنیادین حیات است که در چارچوب‌های بین‌المللی حقوق بشر تضمین شده و اصول اساسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های ژنو، را که بر ارائه خدمات درمانی بدون تبعیض به مجروحان و بیماران در هر شرایطی تأکید دارند، نقض می‌کند.

متخصصان و نهادهای پزشکی بر اساس سوگند بقراط و استانداردهای شناخته‌شده جهانی موظف‌اند خدمات درمانی را به‌طور بی‌طرفانه و بدون تبعیض ارائه دهند. اقدامات بیمارستان بخشین و سایر نهادهای دخیل، نقض جدی وظیفه حرفه‌ای و اصل بی‌طرفی پزشکی است. امتناع از درمان بیمار به دلایل سیاسی نه تنها غیراخلاقی است، بلکه می‌تواند مصداق جرم نیز باشد.

از این‌رو، ما خواستار انجام تحقیقات فوری، مستقل و شفاف درباره نقش بیمارستان بخشین، مقامات اداری آن و تمامی مسئولان مرتبط هستیم. ما تأکید داریم که عاملان این اقدام باید از طریق سازوکارهای قانونی مناسب به‌طور کامل پاسخگو شوند. این امر می‌تواند شامل اقدامات انضباطی، تعلیق یا لغو مجوزهای پزشکی و در صورت لزوم پیگردهای مدنی و کیفری بر اساس قوانین داخلی و بین‌المللی باشد.

پاسخگویی در این پرونده نه تنها برای تحقق عدالت برای غزال مولان ضروری است، بلکه پیامی روشن و قاطع ارسال می‌کند: تبعیض در خدمات درمانی قابل تحمل نیست و نقض کرامت انسانی و بی‌طرفی پزشکی بدون پیامد نخواهد ماند.

در پایان، از تمامی مدافعان حقوق بشر، جنبش‌های حقوق زنان، فعالان جامعه مدنی و تمامی انسان‌های آزاده در سراسر جهان می‌خواهیم که اقدام کنند. صدای خود را بلند کنید. خواستار پاسخگویی شوید. حکومت اقلیم کردستان را تحت فشار قرار دهید تا تمامی قوانین و رویه‌های تبعیض آمیز که دسترسی به خدمات درمانی را بر اساس تابعیت، هویت سیاسی یا وابستگی محدود می‌کنند، لغو کند.

اطلاعیه مشترک

به مناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان کردستان!

اول ماه مه امسال در حالی فرا می‌رسد که جامعه ایران زیر فشار مجموعه‌ای از بحران‌های کم‌سابقه قرار دارد. در فاصله کمتر از یک سال، دو جنگ بزرگ یکی در خرداد و تیر ۱۴۰۴ و دیگری از اسفند ۱۴۰۴ تا فروردین ۱۴۰۵ زندگی میلیون‌ها انسان را تحت تأثیر قرار داده است.

برآوردها نشان می‌دهد که این درگیری‌ها به نابودی یا آسیب دیدگی صدها واحد تولیدی، از بین رفتن ده‌ها هزار فرصت شغلی و افزایش چند ده‌درصدی هزینه‌های معیشت منجر شده است. تورم، گرانی، ناامنی اجتماعی و بی‌ثباتی اقتصادی به‌طور چشمگیری تشدید شده‌اند. این جنگ‌ها، از جمله درگیری‌های اخیر میان آمریکا و اسرائیل با ایران، ماهیتی ارتجاعی داشته و هیچ ارتباطی با منافع مردم، به‌ویژه طبقه کارگر، نداشته‌اند. در هر سوی این تقابل‌ها، نیروهای قرار دارند که زندگی و آینده زحمتکشان برایشان هیچ جایگاهی ندارد.

در این میان، کارگران و زحمتکشان کردستان نیز همچون دیگر مردم ایران، هم‌زمان با فقر، بی‌حقوقی و استثمار، با تبعیض، ستم ملی و پیامدهای ویرانگر محرومیت اقتصادی نیز روبرو هستند.

مردم کردستان سال‌ها است علاوه بر مشکلات عمومی جامعه، با محرومیت اقتصادی، سرکوب سیاسی، محدودیت‌های فرهنگی و امنیتی شدن فضای زندگی روبرو بوده‌اند. بیکاری گسترده، نبود امکانات کافی، فشار بر فعالان اجتماعی و برخوردهای سرکوبگرانه، بخشی از واقعیتی است که کارگران و جوانان کردستان هر روز با آن مواجه‌اند. تلاش برای رفع ستم ملی و دستیابی به برابری کامل، حقی رواقعدالانه و شایسته است و بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای آزادی و رفاه به شمار می‌آید.

جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، از مبارزات زنان و جوانان تا اعتراضات بازنشستگان، معلمان و بیکاران، نشان داده‌اند که نارضایتی عمیق اجتماعی همچنان زنده است. خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ و سرکوب خونین آن، که با کشتار گسترده معترضان همراه بود، بار دیگر ماهیت جنایتکارانه حکومت اسلامی را آشکار ساخت.

اما تجربه نشان داده است که رهایی مردم کردستان نه از مسیر قدرت‌های خارجی می‌گذرد و نه از راه ناسیونالیسم ایرانی یا کردستانی. همان‌گونه که ناسیونالیسم عظمت‌طلب ایرانی حقوق مردم کردستان و دیگر ستمدیدگان را انکار می‌کند، ناسیونالیسم کردستانی نیز همان‌گونه که مبارزه خود را از پیوند با طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران جدا کرده، راهی به آزادی واقعی نخواهد گشود. هر دو گرایش می‌کوشند تضاد اصلی جامعه، یعنی شکاف میان کار و سرمایه، را به حاشیه برانند.

همچنین همکاری و امید بستن برخی جریان‌های ناسیونالیست کرد به آمریکا و اسرائیل، نه تنها کمکی به رهایی جامعه کردستان نمی‌کند، بلکه می‌تواند به مبارزات کارگری و آزادی‌خواهانه مردم کردستان آسیب بزند و چهره رادیکال و انقلابی این مبارزات را مخدوش سازد. افشای این گرایش‌های ارتجاعی و تقویت

قطب چپ و #سوسیالیستی در #کردستان، وظیفه‌ای مهم در برابر #کارگران آگاه و نیروهای پیشرو است.

تنها راه رهایی مردم کردستان، پیوند سرنوشت خود با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران است. کارگر کرد، فارس، عرب، بلوچ، ترک و ترکمن، همگی با نظامی روبه‌رو هستند که بر پایه استثمار، تبعیض، سرکوب و نابرابری استوار شده است. درد مشترک آنان فقر، بیکاری، دستمزد ناچیز، ناامنی شغلی و نبود آزادی است و پاسخ این درد مشترک، همبستگی طبقاتی و مبارزه مشترک است.

کارگران کردستان در دهه‌های گذشته نقش مهمی در اعتصاب‌ها و مبارزات اجتماعی داشته‌اند و امروز نیز می‌توانند نیروی پیشرو در گسترش همبستگی سراسری باشند. پیوند مبارزات مردم سنج، سقز، مریوان، مهاباد و کرمانشاه و دیگر شهرهای کردستان با اعتراضات کارگران در تهران، اهواز، تبریز، اراک و دیگر شهرها، راهی واقعی برای تغییر توازن قوا به سود مردم است.

این مسیر تنها در پیوند جنبش انقلابی کردستان با دیگر جنبش‌های اجتماعی در سطح سراسری به نتیجه خواهد رسید؛ پیوند با جنبش زنان، دانشجویان، بازنشستگان، بیکاران، مبارزات علیه اعدام و همه نیروهایی که علیه تبعیض و سرکوب مبارزه می‌کنند. اتحاد این مبارزات می‌تواند زمینه‌ساز بدیلی مردمی، آزاد و برابر باشد.

در شرایط جنگی کنونی، از مهم‌ترین وظایف فوری ما و جنبش کارگری، ایجاد همبستگی گسترده، تشکیل شوراهای همیاری، سازماندهی کمک و پشتیبانی متقابل و تلاش برای حفظ امید در میان مردم است. در چنین اوضاعی، حفظ روحیه و همبستگی طبقاتی کارگران و زحمتکشان، تقویت همیاری و همکاری جمعی و آمادگی برای مقابله با هرگونه سناریوی سیاه و ضد مردمی، باید در مرکز توجه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه قرار گیرد.

اول #ماه_مه امسال باید روز اعتراض علیه فقر، جنگ، سرکوب، اعدام، بیکاری، ستم ملی و نابرابری باشد؛ روزی برای اعلام اینکه کارگران تنها قربانیان این بحران‌ها نیستند، بلکه می‌توانند نیروی اصلی ساختن آینده‌ای بهتر باشند.

شورای همکاری نیروهای چپ و #کمونیست در کردستان از همه کارگران، مزدبگیران، زنان، جوانان، بازنشستگان، بیکاران و انسان‌های آزادی‌خواه کردستان دعوت می‌کند که به هر شکل ممکن، مراسم و برنامه‌های روز جهانی کارگر را برگزار کنند و صدای اعتراض و همبستگی خود را بلندتر سازند.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

زنده باد همبستگی کارگران کردستان و سراسر ایران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

اردیبهشت ۱۴۰۵

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

تشکیلات کردستان اتحاد سوسیالیستی کارگری

کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

حقیقتی که مثله شد و به سلاح توجیه کشتار بدل گشت!

در نقد تره‌های حمید تقوایی

علی جوادی

"بدون سرنگونی، صلحی وجود ندارد" — کلید واژه تره‌های حمید تقوایی. جمله ای که از قرار فشرده تئوری آنها در دفاع از جنگ و همسویی با ماشین کشتار آمریکا و اسرائیل است.

اما در عین حال جمله ای که نیمی از واقعیت را با ژست حقیقت مطلق عرضه میکند، و درست به همین دلیل، به دروغی خطرناک تبدیل میشود. نیمی از حقیقت، وقتی نیمه دیگرش را عامدانه حذف کند، دیگر حقیقت نیست؛ ابزار است، سلاح است، و در اینجا، توجیهی برای جنگی که نه از پایین، که از بالا، نه از دل جامعه، که از دل ماشینهای نظامی شکل میگیرد.

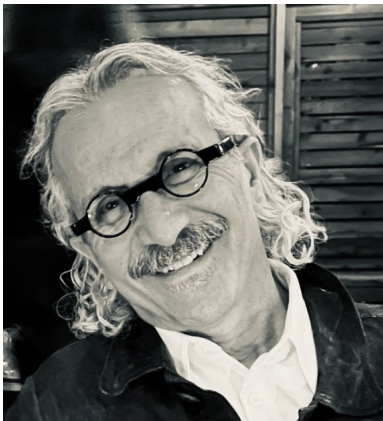
نیمه حقیقت: سرنگونی شرط آزادی است، اما چگونه؟

هیچ تردیدی نیست که جمهوری اسلامی، این دستگاه سرکوب سازمان یافته، نه اصلاح پذیر است و نه همزیست با آزادی. این بخش از گزاره، نه فقط درست، بلکه بدیهی است. اما مساله دقیقا از جایی آغاز میشود که این حقیقت به ابزاری برای مشروعیت دادن به هر نوع "سرنگونی" بدل میشود، حتی اگر این سرنگونی از لوله توپهای جنگی ارتشهایی به همان اندازه جنایتکار و نابود کننده، و با نابودی جامعه همراه باشد و عبور کند. سرنگونی، اگر از دل جامعه نجوشد، اگر محصول دخالت نیروهای دولتهای تروریست و جنگهای ویرانگر باشد، دیگر نامش سرنگونی توسط توده مردم نیست؛ جابجایی قدرت است، انتقال خشونت است، و اغلب، بازتولید همان جهنم در شکلی دیگر. تاریخ منطقه پر است از این "سرنگونی ها" که به نام آزادی آغاز شدند و به باتلاقی از جنگ، فقر و استبداد عمیق تر، یک سناریوی سیاه، ختم شدند.

نیمه پنهان: جنگی که خود سرچشمه بی ثباتی است

آنچه در این تز عمدا نادیده گرفته میشود، نقش جنگی است که توسط دولتهای تروریست، از جمله اسرائیل و آمریکا، در منطقه پیش برده میشود. گویی جنگ، یک ابزار خنثی است که میتواند به سادگی به آزادی منجر شود. اما واقعیت برعکس است: جنگ، خود کارخانه تولید استبداد است.

گفته بودیم، بارها تکرار کردیم، و امروز متأسفانه به عیان دیدیم که جنگ، جامعه را نظامی میکند، اعتراض را خفه میکند، و هر نیروی ارتجاعی را در موقعیت بسیج و سرکوب قرار میدهد. در چنین شرایطی،



نه تنها جمهوری اسلامی تضعیف نمیشود، بلکه با تکیه بر فضای جنگی، مشروعیت سرکوب را بازسازی میکند. آنچه به نام "فشار خارجی" و "کمک در راه است" تبلیغ میشود، در عمل، اکسیژن سیاسی برای بقای همان رژیم کثیف اسلامی است. این تناقض را نمیتوان با شعار پوشاند: چگونه

میتوان همزمان مدعی آزادی بود و از شرایطی دفاع کرد که هر امکان جنبش اجتماعی را نابود میکند؟ این تناقض افشاگر ماهیت راست این ترزا و همسویی با نیروهای تروریست دولتی است.

فریب بزرگ: جایگزینی انقلاب با جنگ

در اینجا یک جابجایی خطرناک رخ داده است: انقلاب اجتماعی، با جنگ نظامی جایگزین شده است. اولی، محصول سازمانیابی، آگاهی و مبارزه طبقاتی است؛ دومی، نتیجه رقابت قدرتهای دولتی و منافع ژئوپلیتیک. انقلاب، انسان را به صحنه می آورد؛ جنگ، انسان را حذف میکند. وقتی گفته میشود "بدون سرنگونی صلحی وجود ندارد"، باید پرسید: کدام سرنگونی؟ سرنگونی با قدرت مردم یا سرنگونی موشکها؟ اگر پاسخ روشن نباشد، این جمله به راحتی میتواند به توجیهی برای ویرانی شهرها، کشتار غیرنظامیان و نابودی زیرساختهای اجتماعی بدل شود. اما کدام تروریسم دولتی توانسته است از ارتفاع ۳۰ پایی یک رژیم مرتجع روی زمین را سرنگون کند؟ اینجا دیگر نمیوان کلاغ را رنگ کرد و به جای قناری به مردم فروخت!

حقیقت کامل: نه جنگ، نه سازش، بلکه انقلاب از پایین

حقیقت، اگر قرار است حقیقت باشد، باید کامل باشد: نه جنگ قدرتهای تروریستی راه حل است، نه مذاکره با رژیمی که بر سرکوب بنا شده. راه سوم، همان راهی است که همواره خطرناک ترین و در عین حال انسانی ترین بوده است: انقلاب از پایین، سازمانیابی کارگری، و دخالت مستقیم جامعه. صلح واقعی، نه از بمباران می آید و نه از میز مذاکره ای که بالای سر مردم شکل گرفته؛ صلح، محصول برچیده شدن همزمان دو ماشین خشونت است. در محور این مسائل، حل مساله ملی فلسطین، تغییر سکولاریستی و آزادخواهانه در اسرائیل و سرنگونی رژیم اسلامی در ایران.

در پایان: نیمه حقیقت، ابزار جنایت

این تز، در بهترین حالت، ساده سازی است؛ و در بدترین حالت، همدستی ناخواسته با سناریویی که مردم را میان دو سنگ آسیاب له میکند: استبداد تروریسم حاکم و تروریسم دولتی.

حقیقتی که مثله شد و به سلاح توجیه کشتار

بدل گشت ...

"بدون سرنگونی، صلحی وجود ندارد" — درست. اما اگر این سرنگونی، از مسیر جنگ عبور کند، آنچه باقی میماند نه صلح است، نه آزادی؛ بلکه خاکستر است. و پرسش واقعی این است: آیا قرار است جامعه ای آزاد شود، یا فقط میدان نبردی تروریستی ساخته شود که نتیجه اش تنها سناریوی سیاه است؟ و اینجاست که نیمه حقیقت، به دروغی تبدیل میشود که نه فقط توضیح نمیدهد، بلکه مسیر فاجعه را هموار میکند.

بعد التحریر: نقل قول‌های زیر از حمید تقوایی است.

- "مردم دوست دارند جنگ ادامه یابد."
 - "الان می‌گویند خرابی‌ها بسیارند، اما تصاویر منتشرشده از خرابی‌ها عمدتاً تقلبی و ساخته‌اند."
- "هر ضربه‌ای به جمهوری اسلامی، مبارزه مردم برای زیر کشیدن حکومت را تسهیل خواهد کرد."

در سیاست، لحظه‌هایی هست که واژه‌ها دیگر ابزار توضیح نیستند؛ ابزار جا به جایی و به بیان واقعی تر، ابزار تحریف واقعیت‌اند. وقتی گفته میشود "مردم جنگ را میخواهند"، دیگر با یک تحلیل طرف نیستیم. با تصاحب صدای مردم طرفیم. مردمی که زیر آوارند، ناگهان در زبان تحلیل، به حامیان همان آوار بدل میشوند. این نه لغزش است و نه بدفهمی؛ این جایگزینی واقعیت با روایت است.

در این دستگاه، ویرانی "بزرگ‌نمایی" میشود، تصویرها "جعلی" اعلام میشوند، و رنج، از واقعیت عینی به "اختلال در روایت" تقلیل می‌یابد. اینجا حقیقت انکار نمیشود؛ بی‌اعتبارسازی میشود. اگر خرابی را نبینی، اگر درد را "اغراق" بدانی، اگر مرگ را "تصویرسازی" بخوانی، آن گاه هر فاجعه‌ای، قابل تحمل، و حتی قابل توجیه، میشود.

و بعد، گزاره سوم می‌آید، آرام، منطقی، خطرناک: "هر ضربه‌ای، مبارزه را تسهیل میکند." در این نقطه، دیگر فاصله‌ای میان تحلیل و ماشین جنگ باقی نمیماند. چون اگر هر ضربه‌ای مفید است، دیگر مهم نیست این ضربه به کجا میخورد: به پادگان یا به بیمارستان، به پایگاه یا به خانه و مدرسه میناب، به ساختار قدرت یا به زندگی روزمره مردم. همه چیز در یک معادله حل میشود: ضربه = پیشرفت. و این همان لحظه‌ای است که سیاست، از انسانیت تهی میشود.

و این نه آغاز یک سقوط، که عمق آن است. ممکن است گفته شود اینها تناقض‌اند. اما نه، اینها اجزای یک منطق واحدند: اینها اشتباهات پراکنده نیستند؛ اینها ستون‌های نگاهی‌اند که در آن، انسان حذف

میشود تا نتیجه حفظ شود. وقتی "نام مردم" سپر می‌شود و "منطق جنگ" نتیجه، دیگر با لغزش روبه‌رو نیستیم؛ با صورت‌بندی‌ای کامل از بی‌اعتنایی به واقعیت انسانی روبروئیم.

نکته آخرین

اگر قرار است آزادی از دل این منطق بیرون بیاید، آزادی برای چه کسی خواهد بود؟ برای مردمی که صدایشان مصادره شد؟ برای جامعه‌ای که ویرانی‌اش انکار شد؟ یا برای تحلیلی که در نهایت، با هر انفجار، احساس پیشروی میکند؟ اینجا دیگر بحث بر سر یک فرد نیست؛ بحث بر سر لحظه‌ای است که سیاست، به نام رهایی، در کنار ویرانی می‌ایستد، نه در آغاز یک سقوط، که در عمق آن. و این سؤال کلیدی که کدام سقوط؟

۲۴ آوریل ۲۰۲۶

اسد گلچینی، جنگ و جمهوری اسلامی ...

و اما بعد از همه اینها؛ بیایید فرض کنیم دفتر پژوهش‌های حزب کمونیستی با کمک موشک و پهبادهای سپاه پاسداران توانست دشمن را شکست دهد و سپس بدون نگرانی از دخالت بیگانه، مشغول سازماندهی طبقه جهت برانداختن حکومت اسلامی شد. اگر از قضا درست در آستانه سرنگونی جمهوری اسلامی بار دیگر اسرائیل به اشاره و تحریک سپاه پاسداران و یا هر بهانه‌واهی دیگری به ایران هجوم آورد چه؟ آیا دوباره مردم باید نه به جمهوری اسلامی را متوقف کنند و با کمک سپاه پاسداران علیه اسرائیل بجنگند؟! بعید می‌دانم اسد گلچینی متوجه باشد عملاً ملعبه دست حکومت اسلامی شده و همان سیاستی را تبلیغ می‌کند که کاوه عباسیان. به نظر می‌رسد او هنوز به آن درجه از بلوغ سیاسی نرسیده است تا بداند جنگ برای جمهوری اسلامی واقعا نعمت است و هر زمان بقایش به خطر افتد جام زهر را می‌نوشد.

امریکا و اسرائیل باید در این جنگ شکست بخورند. این را شاید سردار رادان، محسنی اژه‌ای یا قاضی صلواتی هم گفته باشند اما متأسفانه این نقل قولی از اسد گلچینی هم هست. روزگاری نه چندان دور و در جهان دو قطبی جنبش علیه امریکا که به غلط جنبش ضد امپریالیسم لقب گرفته بود به دامان شوروی غش می‌کرد و شخصیت‌هایی چون ارنستو چه گوارا و حمید اشرف تحویل جامعه می‌داد؛ امروزه اما امثال اسد گلچینی‌ها با همین استراتژی آمریکا ستیزی کور کنار تندروترین و کثیف ترین جناح حکومت اسلامی یعنی سپاه پاسداران قرار گرفته‌اند؛ سپاهی که فی الحال و در حین «دفاع مقدس» از امام مین به جنازه معترضین نیز تجاوز می‌کند. وضعیت به غایت رقت‌انگیزی است به ویژه برای کسانی که خود را کمونیست کارگری معرفی می‌کنند و اساس سوسیالیسمشان قرار بود انسان باشد. قرار بود متعلق به جنبشی باشند که هدفش بازگرداندن اختیار به انسان است.

۲۳ آوریل ۲۰۲۶

قطع جنگ بیدرنگ!

اسد گلچینی، جنگ و جمهوری اسلامی

جاوید حکیمی



بوی مشمئز کننده ناسیونالیسم گندیده اسلامی به طرز وحشتناکی مشام را آزار می دهد. اسد گلچینی از یک سو حزب حکمتیست را با نقل قولی طولانی از منصور حکمت به خاطر مماشات با ناسیونالیسم کرد سزاوار سرزنش می داند، از سوی دیگر حکومت اسلامی را برای مقاومت در برابر تجاوز دشمن علیرغم کشتار خیلی از سرانش تحسین می کند.

لابد حکومت اسلامی انترناسیونالیست شده و ما خبر نداشتیم. احتمالا دعوت به همکاری با ارگان های دولتی برای مقاومت در برابر تجاوز دشمن به خاطر همین تغییر ماهیت حکومت اسلامی بوده است.

از اسد گلچینی باید پرسید تکلیف زنان آزادیخواه، انقلابی و کمونیستی که چهل و هفت سال است در زندان ها مورد تجاوز همین پاسداران در حال جنگ با امریکا قرار دارند چه می شود؟ لابد زنان عجالتا و تا اطلاع ثانوی باید نه گفتن به جمهوری اسلامی را تعطیل کنند حتی اگر به جسد کشته هایشان هم تجاوز بشود. ایشان مرقوم فرموده اند تنها پس از شکست دادن دشمن و حذف خطر دخالت امریکا و اسرائیل در معادلات آینده ایران است که مردم می توانند بدون این نگرانی- یعنی دخالت خارجی- بر مبارزات خود علیه حکومت متمرکز شوند. حتی آخوند منتظری معروف به شیخ ساده لوح نیز اینقدر احمق نبود که خیال کند می شود روزی بدون نگرانی از دخالت خارجی انقلاب کرد.

این است رهنمود دفتر پژوهش های حزب کمونیستی به کارگران، کمونیست ها و زنان آزادیخواه؛

اسد گلچینی استدلال می کند چون اکنون شرایط جنگی است؛ لاجرم حمله به مقرر احزاب و کشتار آنان ادامه حملات پیش از جنگ نیست و دفاع سپاه پاسداران از خود و کشور محسوب می شود. به همین سیاق می شود استدلال کرد بازداشت، شکنجه، تجاوز و اعدام مخالفین به اتهام واهی جاسوس اسرائیل هم ادامه همان جنایات پیش از جنگ نیست و دفاع از کشور است. بدینسان شعار نه به اعدام نیز همانند نه به جمهوری اسلامی باید به بعد از پیروزی بر دشمن احاله گردد.

اسد گلچینی که نمی تواند کشتار چند ده هزار نفری هجدهم و نوزدهم دی ماه را به سادگی قتل غزال مولایی توجیه کند لاجرم مسئولیت اصلی این جنایت هولناک را به پای رضا پهلوی و جاسوسان امریکا و اسرائیل در صفوف مردم فریب خورده می نویسد. او از این بابت هم حزب حکمتیست را نکوهش می کند که چرا حکومت اسلامی را محکوم کرده است و نسبت به سلطنت طلبان اغماض نموده! وی نرمش قهرمانانه در مقابل حکومت اسلامی را به جایی رسانده که به خاطر مظنون اصلی دانستن حکومت در قضیه ترور علی جوادی از حزب حکمتیست طلب سند و مدرک می کند.

جنگ جاری و در ادامه بمباران شهرها موجب تضعیف جمهوری اسلامی بشود یا نه هیچ کمونیستی نمی تواند با آن موافق باشد. آن جریانی که تضعیف جمهوری اسلامی به هر قیمتی و توسط هر شیطانی را به نفع مردم می داند عملا دارد کشتار مردم زیر باران موشک های امریکا و اسرائیل را توجیه می کند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی پای هیچ جنگی نمی رود مگر آنکه به تقویت نظامش منتهی شود. این تصور که جمهوری اسلامی می داند امریکا برای سرنگونی او آمده است و باز هم تا آخر ایستاده است پوچ است. خمینی جلاد قرن همان که گفته بود جنگ نعمت است وقتی بقای نظامش را در خطر دید جام زهر را نوشید و از قید تسخیر کربلا و قدس گذشت. بدینسان دو سوی این جنگ ارتجاعی اگر بر پروسه لاینقطع جنگ و مذاکره و معامله اصرار می ورزند همانا چون در آن ذینفع اند گیرم با اهداف مختلف و گاه ناهماهنگ. در واقع قربانیان اصلی این جدال تروریست ها که معلوم نیست پشت پرده چه بده و بستان هایی با هم دارند عموم مردم به ویژه زنان و اقشار فرودست جامعه و کارگرانند. حزب حکمتیست به درست جنگ کنونی را جنگ ارتجاعی دولتهای تروریستی دانسته و با شعار نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی خواهان قطع بی درنگ آن است.

شگفت آنکه «نه به جمهوری اسلامی» به حق خشم سپاه پاسداران در داخل و در کمال تاسف اعتراض شدید اسد گلچینی در خارج را همزمان برانگیخته است. اگر سپاه پاسداران نه به خودش را برنرفته و بر شمار اعدام ها افزوده است، اسد گلچینی هم در خارج از کشور قلم بدست گرفته و به زعم خویش عزم جزم کرده برای رسوا ساختن حزب حکمتیست! جرم حزب؟ تروریست دانستن حکومت اسلامی و دولت اسرائیل هر دو. ظاهرا به نظر اسد گلچینی بنیانگذار دفتر پژوهش های حزب کمونیستی، جدال دو حکومت تروریستی گاهی می تواند جدال تروریست ها نباشد. مثل معروفی است؛ پسته بی مغز جون لب واکند رسوا شود.

قتل سبانه غزال مولایی در اثر حمله جمهوری اسلامی به کمپ پناهندگی سازمان زحمتکشان حتی به اعتراف اسد گلچینی خشم به حق مردم را در کردستان برانگیخت. اما او این قتل را و اساسا حمله به مقر سازمان های اپوزیسیون در کردستان عراق را محکوم نمی کند. چرا؟ چون اولاً به جز حزب دمکرات و کومله، در کردستان اپوزیسیون نداریم، ثانیاً و این مهمتر است؛ کردستان عراق اکنون در شرایط جنگی قرار دارد و جمهوری اسلامی حق دارد در برابر تجاوز امریکا و اسرائیل از خودش و «کشور» دفاع کند. «دفاع از کشور» همان رسالت مشترکی است که سپاه پاسداران، چپ محور مقاومتی و دفتر پژوهش های حزب کمونیستی را به هم متصل کرده است.

جنگ چهل روزه؛

ادامه آن در سفره‌های خالی

وریا روشنفکر



قطع مواد اولیه و بازار نابود می‌کند.

در این میان، بیشترین فشار بر طبقه‌ای وارد می‌شود که کمترین نقش را در شکل‌گیری این بحران‌ها داشته است. کارگران صنعتی با تعطیلی یا نیمه‌تعطیلی محل کار

خود مواجه‌اند، کارگران خدماتی به دلیل کاهش قدرت خرید مردم شغل خود را از دست می‌دهند، و حقوق‌بگیران هر روز فقیرتر می‌شوند. بازنشستگان و ا فشار آسیب‌پذیر نیز در این میان به‌طور کامل بی‌دفاع‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که جنگ، حتی زمانی که به‌ظاهر پایان یافته، همچنان در زندگی روزمره مردم ادامه دارد؛ در صف‌های طولانی، در سفره‌های خالی، در اجاره‌های عقب‌افتاده و در اضطراب دائمی برای بقا.

تمام روایت‌های رسمی که این وضعیت را با واژه‌هایی چون "امنیت" یا "منافع ملی" توجیه می‌کنند، یک حقیقت اساسی را پنهان می‌سازند: این جنگ‌ها برای بهبود زندگی مردم نیستند. آنچه در جریان است، رقابت بر سر قدرت و منابع است و هزینه آن را کسانی می‌پردازند که نه در تصمیم‌گیری نقشی دارند و نه سهمی از نتایج آن می‌برند. کارگری که بیکار می‌شود، مادری که از تأمین داروی فرزندش عاجز می‌ماند، و جوانی که آینده‌اش در سایه بحران نابود می‌شود، همگی قربانیان واقعی این نظم هستند.

با این حال، همین واقعیت تلخ، امکان دیگری را نیز پیش می‌کشد. نیرویی که بیشترین فشار را تحمل می‌کند، همان نیرویی است که می‌تواند به عامل تغییر بدل شود. وقتی زندگی انسانی به حاشیه رانده می‌شود و معیشت مردم قربانی سیاست‌های کلان می‌گردد، زمینه برای شکل‌گیری اعتراض و خواسته‌های اجتماعی فراهم می‌شود.

جنگ چهل‌روزه و پیامدهای آن نشان داد که در نظم موجود، زندگی مردم تا چه حد بی‌ارزش تلقی می‌شود؛ اما در عین حال نشان داد که این وضعیت نه طبیعی است و نه اجتناب‌ناپذیر. ادامه این چرخه تنها زمانی ممکن است که اکثریت جامعه ناگزیر به تحمل آن باشند، و پایان آن نیز از همان‌جا آغاز می‌شود که این تحمل به پرسش و مقاومت تبدیل گردد.

۲۴ آوریل ۲۰۲۶

جنگ چهل‌روزه میان حکومت‌های ایران، آمریکا و اسرائیل، اگرچه در ظاهر با آتش‌بس نسبی پایان یافت، اما در واقع هرگز متوقف نشد؛ شکل آن تغییر کرد. آنچه امروز در قالب محاصره تنگه هرمز و فشار اقتصادی جریان دارد، ادامه همان جنگ است، با این تفاوت که دیگر صدای انفجار شنیده نمی‌شود، اما اثر آن مستقیم‌تر و بی‌واسطه‌تر بر زندگی کارگران و توده مردم فرود می‌آید.

این جنگ از همان ابتدا نه صرفاً یک تقابل نظامی، بلکه یک تعرض همه‌جانبه به زیرساخت‌های زندگی اجتماعی بود. تخریب گسترده واحدهای مسکونی، کارگاه‌ها و مراکز تولیدی، به معنای از دست رفتن فوری معیشت هزاران خانواده بود. وقتی یک کارخانه یا کارگاه نابود می‌شود، فقط یک ساختمان از بین نمی‌رود؛ زنجیره‌ای از کار، درآمد و بقا قطع می‌شود و کارگر به یک‌باره به صف بیکاران رانده می‌شود.

هزینه‌های نجومی جنگ که در مدت کوتاهی به ده‌ها میلیارد دلار رسید، خود بیانگر یک واقعیت عریان است: منابعی که می‌توانست صرف بهبود سطح زندگی مردم، افزایش دستمزدها، توسعه خدمات درمانی و آموزشی شود، در عرض چند هفته به ماشین جنگی تزریق شد. این جابجایی منابع، چیزی جز انتقال مستقیم هزینه‌ها از دوش دولت‌ها به شانه‌های مردم نبود. نتیجه آن به سرعت در اقتصاد ظاهر شد: تورم جهشی، سقوط ارزش پول، افزایش قیمت کالاهای اساسی و کوچک‌تر شدن سفره‌ها. در چنین شرایطی، کارگر نه تنها امنیت شغلی ندارد، بلکه همان دستمزد ناچیزش نیز قدرت خرید خود را از دست می‌دهد و به تدریج به زیر خط فقر رانده می‌شود.

با گسترش بحران به تنگه هرمز، وضعیت وارد مرحله تازه‌ای شد. این تنگه که یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان است، به اهرم فشار اقتصادی بدل شد. اختلال در صادرات نفت و محدود شدن مبادلات تجاری، به معنای کاهش شدید درآمد ارزی و تشدید بحران اقتصادی داخلی بود. محاصره دریایی که پس از جنگ اعمال شد، هر روز میلیارد‌ها تومان خسارت به اقتصاد وارد می‌کند و این خسارت نه در سطح اعداد، بلکه در زندگی واقعی مردم ترجمه می‌شود: افزایش بیشتر قیمت‌ها، کمبود کالا، تعطیلی واحدهای تولیدی و گسترش بیکاری.

اگر جنگ کارخانه‌ای را با بمب از کار می‌اندازد، محاصره همان کارخانه را با

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

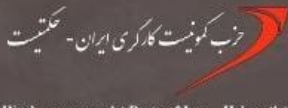
نهادهای همیاری را در شهر و محله و محل کار و زیست ایجاد کنیم

”مردم، آزادیخواهان!

برای مقابله با مصائب تحمیلی جنگ به نیروی متحد و متشکل نیازمندیم. برای یاری رسانی به هم، نهادهای همیاری را در هر محله و شهر و محل کار و زیست سازمان دهیم. با اتکا به شبکه ها و کمیته ها و نهادهای همیاری مردمی، نیازمندیها و مایحتاج روزمره را برای مردم محله و شهر و به ویژه مناطق صدمه دیده جنگی تأمین کنیم. از آوارگان جنگی استقبال کنیم. آنها را در کنار خود اسکان دهیم. معالجه زخمی ها و صدمه دیدگان را تضمین کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۴۰۴



ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید.

منصور حکمت

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هشدار در باره یک روند ارتجاعی،

ترامپ و نتانیاهو

دوست مردم ایران نیستند!

اظهارات ترامپ و نتانیاهو و هواداران جنگ، تنها به خامنه‌ای و بقای نظام خدمت میکنند. در وضعیت کنونی هیچ چیز مثل وقوع یک جنگ به نفع جمهوری اسلامی نیست، نه بدلیل اینکه توان جنگیدن دارد یا یک نیروی حامی که بتواند روی آن حساب کند، بلکه بدلیل قیچی کردن همین اعتراضات و میدان دادن به کثیف‌ترین پروژه‌های سیاسی و عناصر اپورتونیست و دست راستی که در این فضا جانی برای ابراز وجود می‌یابند.

آماده‌سازی افکار برای "حمله بشردوستانه" و "نجات مردم از قتل‌عام"، تکرار دقیق سناریوی لیبی است. امری که به جمهوری اسلامی توجیهی برای یک کشتار تمام عیار "علیه دشمنان خارجی و عوامل آن" میدهد. مردم در صورت جنگ در صحنه نمی‌مانند، و آنها که می‌مانند، افق "رهائی" خود را به افق پیروزی جنگ‌طلبان گره می‌زنند. چنین وضعیتی یک موج برگشت ارتجاعی و علیه آمال و آرزوهای شریف مردمی است که برای رهائی از اوضاع مشقت‌بار کنونی بپاخاسته‌اند.

جمهوری اسلامی باید با قدرت انقلابی کارگران و توده‌های مردم آزادیخواه سرنگون شود. ترامپ و نتانیاهو دوست مردم ایران نیستند، سیاست آنها از تحریم تا جنگ در خدمت بقای نظم موجود و اعاده وضع موجود است. سیاست آنها مصادره مبارزات و جانفشانی مردم به نفع اهداف ارتجاعی خویش است. دخالت فاشیست‌ها در سیاست ایران موقوف!

فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حکمت
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

در تظاهراتی اول مه روز جهانی کارگر شرکت کنید!

تشکیلات حزب در خارج کشور همراه با کارگران و سوسیالیست‌ها در اجتماعات و تظاهراتی روز جهانی کارگر با شعارهای علیه جنگ ارتجاعی، قطع جنگ بیدرنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی شرکت میکند. از ایرانیان آزادیخواه دعوت میکنیم در روز جهانی کارگر همراه ما علیه سیاستهای ضد کارگری دولتها، علیه جنگ ارتجاعی و علیه جمهوری اسلامی شرکت کنید!

کارگران جهان متحد شوید!

داستان کچاپ و نئو دو خردادی‌های

خشونت ستیز ...

حضرات و یا چاقوکشی اخیر در لندن مطلقاً نمیخواند. این تبلیغات بیشتر نوعی مظلوم نمائی شکست خوردگان است.

اما مستقل از سلطنت طلبان که اینروزها بدجوری قطبنمایشان را بدلیل بدقولی "عموهایشان ترامپ و نتانیاهو و گراهام" گم کرده‌اند و سیر بشیمانی و ترک صفوف شکست خوردگان آغاز شده است، با یک موج جدید اما بی حال و بی رمق از "خشونت ستیزی" و "محکوم میکنیم" روبرو شدیم که عمل ریختن کچاپ به شانه رضا پهلوی را مصداق "خشونت"، "گسترش خشونت در میان اپوزیسیون"، "تروریسم"، "ایجاد تفرقه بیشتر" و "حمله به امنیت فرد" تلقی کردند. ناگهان عده‌ای "مادر ترزا" شدند و با علم به سیاست قطبی ایران و عملکرد روزمره سلطنت طلبان و شخص رضا پهلوی علیه نیروهای اپوزیسیون و هر مخالف سیاسی، روی موج "هر خشونتی محکوم است" رفتند.

انگار دو خرداد و "دگراندیشان" دیروز حزب‌اللهی که امروز در مورد "جامعه مدنی" حرف میزنند و لقب "روزنامه نگار و کارشناس و تحلیلگر و نویسنده" را دارند دوباره در قالب یک نئو دو خرداد جدید شکل گرفت. آنروزها سوال از آنها هم مصداق خشونت بود. بحدی همه دل نازک شده بودند که علیرغم تبلیغ "تفرانس" و "تحمل همدیگر و گفتگو" هیچ تفرانسی در مقابل سرنگونی طلبان نداشتند. "خشونتهای کمونیسم کارگری" - بخوانید اعتراض به عوامل جمهوری اسلامی خارج - در ادبیات اینها مکتوب است. اعتراض به عامل جمهوری اسلامی در خارج "نفی آزادی بیان" و افشای عناصر دیروز شکنجه گر و امروز اصلاح طلب "به هم زدن جلسه" و "خشونت علیه آزادی بیان" و "توتالیتریسم" و غیره نام گرفت. امروز گوئی همین "ارواح خبیثه" به پرواز درآمده‌اند تا به بهانه کچاپ زمین دیگری را آب جaro کنند.

این تحرک بخشاً از سر نزاکت سیاسی است و تکیه بر قدرت استدلال و بحث. بخشاً بحث سود و زیان و غیره را دارد و بخشاً بر پرنسپ‌های اپوزیسیونی تاکید دارد. هر کسی هرچه بگوید، نمیتوان برچسپ نجسپ "خشونت" و "ترور" را دلخواهی و آماتور وارد کشمکش و ادبیات سیاسی کرد. اما نفس این موضع زیر سوال است. چرا که حق اعتراض و حق ابراز وجود و حق مقاومت و افشاگری و مدیومهای مختلف آنرا زیر سوال میبرد و پیشفرض‌هایی دارد که وارونه است. کسانی این حرفها را میزنند که اگر یک جمله در خیابانی مقابل سلطنت طلبان بگویند ممکن است با حمله فیزیکی و ضرب و شتم روبرو شوند.

این نوع اظهارات اگر باج دادن به فالانژهای پهلوی نباشد، در متن فراز و فرود سلطنت طلبان، زمینه سازی برای اصلاح طلبی نوع جدید و سیاست نافرمانی مدنی و اعتراض بدون خشونت علیه سربازان اسلام است. این دوره اما مدتهاست که به پایان رسیده و بی‌رمقی آن هم

محصول بی‌ربطی به حقایق سیاسی جامعه بود. مشکل این نیست که فردا مجدداً با صف اصلاح طلب جدیدی روبرو شویم که اینبار شخصیت مورد علاقه‌اش سردار پاسدار است که میخواهد "تنش زدائی" کند و با غرب بسازد. امروز این نیرو در قالب "محور مقاومت" و "دفاع از کشور در مقابل بیگانه" در متن جنگ و بحران در منطقه صف کشیده و کم و بیش نیرویش را از دو جنبش سنتی ایران یعنی جنبش ملی اسلامی و جنبش ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی میگیرد. این ناسیونالیسم اسلامی که میان چپ عمده‌تاً در قالب ناسیونالیسم ضد امپریالیستی ابراز وجود میکند و منافعی را در وحدت تاکتیکی و برای بخشی استراتژیکی با رژیم اسلامی میببند، زیر مجموعه ناسیونال شوونیسم حکومتی است. اینها خود جنگ طلب و جانبدار یکسوی جنگ هستند.

مشکل این "خشونت ستیزان" اینست که فردا با همین شبه استدلال‌ها میتوانند جلوی نیروی انقلابی که میخواهد و ناگزیر است برای پیشروی و پیروزی ماشین سرکوب را درهم شکنند، شاخ شوند و نقش ضربه‌گیر را برای حکومت اسلامی بازی کنند.

۲۳ آوریل ۲۰۲۶

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین‌المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس‌های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۰ آوریل ۲۰۲۶

ستون آخر،

داستان کچاپ و نئو دو خردادی‌های خشونت ستیز

سیاوش دانشور



آدرسهای تماس با
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

وریا روشنفکر

daftaremarkzy@gmail.com
voryaroushanfekr@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidwahedi25@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته گردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر کمیته تبلیغ

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

از سلطنت طلبان و از همکاران سابق آنها بوده و بدلیل اعتراض به همکاری آنها با جمهوری اسلامی دست به اینکار زده است. برخی میگویند شواف و هماهنگ شده بوده تا برای چند ساعتی "شاهزاده" را همچنان نقل بحث و خبر قرار دهند. خودشان میگویند "حرکت تروریستی" بوده و ساواکی‌هایشان فی الحال تهدیدها را شروع کرده‌اند.

مستقل از تئوریهای جاری، چنین حرکتی در اروپا رایج است و بعنوان اعتراض سَمبلیک علیه بسیاری از سیاستمداران و وزرا در کشورهای مختلف با کیک یا تخم مرغ یا بسته‌های رنگی صورت گرفته است. هیچ عقل پائین‌تر از متوسط هم تا چه رسد به نهادهای ضد تروریسم و جاسوسی این کشورها، مارک "تروریسم" را روی این نوع اعتراض نگذاشته است. گویندگان این عبارت یا بشدت بیخبر از دنیا هستند و یا زیادی "دل نازک" شدند که این دومی با تهدید "خرخره جوییدن" و "از ماتحت آویزان کردن" و بسیاری از تهدیدهای غیر بهداشتی

صفحه ۱۹

رضا پهلوی در زمینه آنچه که تصویر میکرد یا آرزویش را جای واقعیت می‌نشانند، شکست خورد و تمام شد. وی تا اطلاع ثانوی- که البته وقت زیادی هم برای مانور ندارد- برای بورژوازی ارزش مصرف ندارد. در مورد عملکرد سلطنت طلبان باندازه کافی گفته شده و مطلب مستدل وجود دارد. در این افتتاحیه آخر در برلین، چه در کنفرانس مطبوعاتی که سوالات برخی خبرنگاران خاطر مبارک "شاهزاده" را مُکدر کرد و با واکنشهای عصبی و ادای دونالد ترامپ درآوردن با کلاس پائین و بدون اعتماد بنفس و توهین آمیز در مقابل خبرنگاران ظاهر شد. و بالاخره هنگام ترک محل و صحنه پایانی ریختن کچاپ روی لباس رضا پهلوی، بحثهای مختلفی را دامن زده است.

آن جوان ادعا کرده که بعد از ده دقیقه آزاد شده و ۱۸۰۰ یورو هم جریمه شده است. بسته کچاپ توسط پلیس بررسی شده و فرد از آن خورده است، هیچ تهدید جانی و حتی زدن ضربه سبک در کار نبوده است. برخی میگویند این فرد خودش

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

هفتگی

هیئت تحریریه: پروین کابلی، سیوان کریمی، ملکه عزتی، رحمان حسین زاده، علی جوادی، سیاوش

دانشور، ناصر مرادی، وریا روشنفکر، امیرعسکری.

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. آخرین مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز پنجشنبه است. کمونیست شنبه ها منتشر میشود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatist

Hekmatist.org

@hekmatist1917

@hekmatist pary

partow TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!